

تبیین تفاوت‌های طراحی و خوانش فضا میان طراحان و کاربران براساس نظریه زمینه‌ای^۱

الهام منصوری*: دانش‌آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، رشته شهرسازی، تهران، ایران

چکیده

درک مطلوبیت و کارایی طراحی‌ها برای رفتار انسان و آگاهی از نیازها و ترجیحات افراد در ارتباط با محیط، یکی از الزامات موفقیت طراحان شهری است. تلاش برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های تجربه و خوانش افراد از محیط و توصیف جهان پیرامون به‌گونه‌ای که در واقعیت وجود دارد، می‌تواند پایگاهی اطلاعاتی و قابل اطمینان در راستای ارتقای نگرش حرفه‌ای طراحان شهری ایجاد کند.

پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این سؤال که چه تفاوتی میان فضای طراحی شده طراحان و فضای ادراک شده مردم وجود دارد؟ با مرور ادبیات نظری و به‌کارگیری روش تحقیق نظریه زمینه‌ای به بررسی تجربه افراد و دیدگاه طراحان از فضای شهری خوب پرداخته و با تحلیل، کدگذاری و تفسیر اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های عمیق با این دو گروه، مدلی را در راستای تبیین تفاوت‌های نگرشی و کنشی میان طراحان و استفاده‌کنندگان فضا تدوین نموده است.

نتایج نشان می‌دهند دیدگاه مردم محصول تجربه‌های آنان است در حالی که دیدگاه طراحان متأثر از آموزش تخصصی و مفاهیم نظری می‌باشد. همچنین تصویر ذهنی مطلوب استفاده‌کنندگان فضا بیشتر مبتنی بر خوانش مؤلفه فیزیکی و سپس مؤلفه‌های عملکردی و اجتماعی است، در تفسیر ارزیابی‌های آنان، فضایی بهتر تلقی می‌شود که بتواند بیشترین سطوح معنا را تداعی نماید. از سوی دیگر طراحان در نگرش خود درخصوص خلق فضای شهری با کیفیت، بیشتر بر مؤلفه‌های اجتماعی و معنایی فضا تأکید داشته ولی همچنان به مؤلفه‌های فیزیکی و عملکردی نیز توجه دارند، آنان در تعریف کنش طراحی یک فضای شهری، بیشترین اقدامات و امکانات را در مؤلفه‌های فیزیکی و عملکردی بیان می‌کنند.

واژگان کلیدی: کیفیت فضای شهری، مکان، معنا، نظریه زمینه‌ای، تجربه فضا.

Exploration of the Differences between Designers' Concepts and Users' Readings in Urban Spaces based on the grounded theory

Abstract

Understanding the desirability and usability of designs about human behavior and awareness of their needs and preferences about the environment is crucial for the success of urban designers. Attempting to answer questions about the differences and similarities of people's experience and reading of the environment and describing the surrounding world as it exists, can provide a reliable knowledge base for improving urban designers' professional perspectives.

This research aims to answer the following question: What are the differences between the spaces designed by designers and the spaces perceived by the people? By reviewing theoretical literature and employing the grounded theory research method, this study explores the experiences of individuals and the perspectives of designers about well-designed urban spaces. By analyzing, coding, and interpreting information from in-depth interviews with these two groups, it develops a model. The model explains the differences in perspectives and actions between designers and space users.

The findings reveal that people's viewpoints are shaped by their personal experiences, while designers' perspectives are influenced by their professional education and theoretical concepts. Moreover, the study demonstrates that space users primarily base their desired mental image on the physical component of space, followed by its functional and social components. When evaluating a space, its ability to evoke higher levels of meaning is considered a significant factor. On the other hand, designers prioritize the social and meaning components of a quality urban space, while still recognizing the importance of the physical and functional aspects. In the process of designing a space, designers emphasize the physical and functional components to provide a wide range of activities and possibilities.

Keywords: Quality of urban space, place, meaning, grounded theory, space experience.

* نویسنده مسؤول au.mansoori@gmail.com

۱. بخشی از این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده با عنوان «تدوین فرآیند خوانش و طراحی فضای شهری از طریق کدگذاری و کدگذاری محتوای محیط» می‌باشد که در سنوات گذشته در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به انجام رسیده است.

مقدمه

هدف اصلی طراحی شهری خلق فضاهای شهری خوب و با کیفیت برای زندگی مردم می‌باشد. آن‌چنان‌که تیبالدز اشاره می‌کند مردم از طریق کیفیت به خصوص کیفیت (محیط) فیزیکی که در اطراف خویش مشاهده می‌کنند، قضاوت می‌کنند و عملکردها و جذابیت مکان‌ها برای آن‌ها مورد توجه است (Tibbalds, 1984: 24) و این کیفیت نمی‌تواند به تنهایی از طریق تحمیل نظام فکری و ارزشی طراح تعیین گردد، چنانچه لنگ به تفاوت بین ادعاهای نظری و مواضع و نتایج کارهای عملی طراحان پرداخته (لنگ، ۱۳۸۳: ۲۵۱) و اپلیارد تحت عنوان دانش شهری^۱، با سنجش ادراک و نگرش مردم و حرفه‌مندان، بر آگاه ساختن آنان نسبت به تفاوت درکشان از شهر تأکید می‌نماید (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۶۲). به دیگر سخن استفاده و بهره‌گیری از فضاهای شهری تجربه‌ای است که برای تمام افراد یکسان نیست (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸). شاید بتوان این‌گونه گفت که انسان و توانایی‌هایش در درک محیط‌های پیرامون، گرانیگاه طراحی شهری است به نحوی که ویژگی‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی متفاوت، خوانش‌ها و کنش‌های متفاوتی از محیط پیرامونی را به همراه خواهد داشت.

نگاهی گذرا به محیط‌های شهری ما نشان می‌دهد که وضعیت کنونی شهرها و محیط‌های شهری نه پاسخگوی نیازهای تازه و روش‌های زیست‌شهروند امروزی است و نه برتری‌های شهرهای قدیمی را دارد. امروزه نقش فضاهای شهری، به ارتباط‌دهنده بین مقصدها تقلیل یافته و در آن‌ها زندگی اجتماعی اتفاق نمی‌افتد (غفاری، ۱۳۹۳). عدم توجه به گستره نیازهای انسانی به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و زیبایی‌شناختی، اولویت مسائل کمی بر موضوعات کیفی، عدم موفقیت فضاهای عمومی در حضورپذیری و خلق تجارب و خاطرات خوب، پتانسیل پایین فضاهای شهری در ایجاد فعالیت‌های انتخابی یا اجتماعی، دشواری در استفاده از فضا برای گروه‌های خاص مانند زنان، کودکان یا سالمندان، تظاهر جلوه‌های ثروت و سرمایه به‌جای معنا و نمادهای هویت‌ساز و... برخی از مسائل جاری در محیط‌های شهری امروز ما می‌باشد. در این آشفتگی مفهومی و عملکردی، توجه به ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و تفاوت‌های ادراکی انسان می‌تواند راه‌حلی در راستای ایجاد کیفیات و تجارب مطلوب از فضاهای شهری باشد و زمینه‌های ایجاد همبستگی کامل‌تری بین طراح، محیط و مردم را فراهم نماید.

با توجه به ضرورت شناخت سازوکارهای ذهنی و ادراکی افراد از مفاهیم به‌ویژه مفاهیم کیفی و به‌کارگیری نتایج

آن در بهبود روش‌های طراحی و خلق فضا، این پژوهش با هدف یافتن پاسخ این سؤال که چه تفاوتی میان فضای طراحی شده طراحان و فضای ادراک شده مردم وجود دارد؟ با مرور ادبیات نظری مرتبط و نیز بکارگیری روش تحقیق نظریه زمینه‌ای (گراندد تئوری) به بررسی تجربه افراد و دیدگاه طراحان از فضای شهری خوب پرداخته و با تحلیل، کدگذاری و تفسیر اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های عمیق با این دو گروه، مدلی را در راستای تبیین تفاوت‌های نگرشی و کنشی میان طراحان و استفاده‌کنندگان فضا تدوین نموده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر با تکیه بر دو محور به بررسی سوابق مطالعاتی پرداخته است. نخست مطالعات بر مبنای موضوع پژوهش که به بررسی تفاوت‌های ادراکی میان مردم عادی به عنوان استفاده‌کنندگان فضا و طراحان شهری، معماران و شهرسازان به عنوان متخصصان طراحی و تولید فضا پرداخته‌اند. دوم مطالعات بر مبنای روش انجام پژوهش که از طریق به‌کارگیری نظریه زمینه‌ای، ویژگی‌ها و تفاوت‌های ادراکی گروه‌های درگیر با فضا را مورد تحلیل قرار داده‌اند. پژوهش‌های متعددی در سال‌های گذشته نشان داده که بین معماران و طراحان با تجربه تخصصی و مردم عادی تفاوت‌های معنی‌داری در ارزیابی‌های زیبایی‌شناسانه ساختمان‌ها و محیط‌ها وجود دارد به نحوی که طراحان بیشتر به جنبه‌های ساختاری، فنی و زیبایی‌شناختی فضا توجه دارند در حالی که مردم بر تجربه‌ها و استفاده‌های روزمره تأکید دارند. پژوهشی تحت عنوان "تفاوت ادراکی فضاهای عمومی شهری بین متخصصان طراحی و افراد عادی: شواهد، پیامدهای سلامت و الگوهای طراحی شهری آماده" به این موضوع می‌پردازد که تجربه کاربران از فضاهای عمومی شهری معمولاً همان چیزی نیست که طراحان انتظار داشته‌اند. درک محیطی دو گروه از همدیگر متفاوت است، به‌طوری که افراد حرفه‌ای بیشتر نسبت به ویژگی‌های مرتبط با فعالیت‌های ضروری حساس‌تر هستند تا فعالیت‌های خودجوش و اجتماعی (Xu L, et al. 2022). در مطالعه‌ای دیگر با عنوان "تأثیر تخصص بر پاسخ‌های روان‌شناختی به ساختمان‌ها و مناظر طبیعی"، نویسندگان نتیجه می‌گیرند تخصص بر ابعاد روان‌شناختی تجربه و ارزیابی زیبایی تأثیرگذار است. به عبارتی آموزش به‌طور قابل اعتمادی بر تجربیات زیبایی‌شناختی افراد تأثیر می‌گذارد و از سویی ابعاد روان‌شناختی زیربنایی افراد متخصص و افراد تازه‌کار از نظر کیفی با یکدیگر متفاوت است (Weinberger A. B. et al. 2022). در همین زمینه در تحقیقی با هدف بررسی سلاقی زیبایی‌شناسانه

مؤثرترین مؤلفه تأثیرگذار بر سرزندگی محیطی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی است در حالی که این مؤلفه از جمله مؤلفه‌هایی است که مورد بی‌توجهی کارشناسان قرار گرفته بود (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۹). در کل، پژوهش‌های مرتبط با تفاوت‌های ادراکی بین افراد و متخصصان، اهمیت درک ترجیحات و قضاوت‌های متفاوت این دو گروه را مورد تأکید قرار می‌دهد و رویکردهای طراحی کاربر محور و مستند بر تجربیات روزمره افراد در فضاهای شهری را برجسته می‌سازد.

از سوی دیگر در سال‌های اخیر به کارگیری تئوری زمینه‌ای که در ترجمه فارسی با واژه‌هایی همچون رویکرد داده بنیاد، نظریه زمینه‌ای، تئوری زمینه‌ای، تئوری داده بنیاد، نظریه میدانی و نظریه مبنایی معادل می‌گردد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۸) در بررسی ویژگی‌ها و تفاوت‌های ادراکی گروه‌های درگیر با فضا موردتوجه قرار گرفته است. برخی از پژوهش‌های صورت گرفته با این روش را می‌توان چنین برشمرد: "بررسی ساختار ادراکی مناظر صوتی در فضاهای عمومی شهری با استفاده از کدگذاری معنایی براساس نظریه زمینه‌ای" (Cao and Kang, 2023)، "بررسی عوامل مؤثر بر ادراک کاربران از فراگیر بودن پارک‌های شهری براساس نظریه زمینه‌ای" (Zhaosen and Guangsi, 2022)، "دیدهای شهری و تأثیر آن بر شهروندان، یک مطالعه براساس نظریه زمینه‌ای در شهر سنندج" (Karimimoshaver & et al. 2020)، "شناسایی سازه‌های زیربنایی پیونددهنده شکل شهری و رفتار سفر با استفاده از رویکرد تئوری زمینه‌ای" (Banerjee & Hine, 2014)، "ارزش رویکرد نظریه زمینه‌ای ساخت‌گرا برای محققان محیط ساخته شده" (Allen and Davey, 2017)، "مروری انتقادی بر تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در برنامه‌ریزی و طراحی شهری" (Zamani & Babaei, 2020)، "کاربست روش داده بنیاد در ظهور یک نظریه شهری"، "بازآفرینی بخش مرکزی مشهد" (قلندریان، ۱۴۰۱)، "تدوین الگوی ماندگاری ادراکی در معماری براساس روش نظریه‌پردازی داده بنیاد متنی" (ملک آورزمانی و همکاران، ۱۳۹۹)، "کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های طراحی شهری" (لک، ۱۳۹۳)، "تصویر ذهنی گردشگران داخلی از فضاهای شهری اصفهان با رویکرد نظریه زمینه‌ای" (طیبی و ذکاوت، ۱۳۹۶). در یک دیدگاه کلی و با توجه به گستردگی موضوعات قابل بررسی با نگرش‌های ادراکی و کیفی در حوزه طراحی و ساخت فضا می‌توان گفت نظریه زمینه‌ای رویکردی ارزشمند برای درک ماهیت پیچیده و چندوجهی ادراکات افراد از فضای شهری است که به محققان اجازه می‌دهد تا نظریه‌هایی را توسعه دهند که ریشه در تجربیات زیسته مردم دارند و بینش‌های ارزشمندی را برای طراحی، برنامه‌ریزی و

دانشجویان معماری در سال‌های اولیه آموزش حرفه‌ای، نتایج نشان داد اگرچه معماران جوان ترجیحات زیبایی شناسانه متفاوتی دارند ولی در مقایسه با عموم مردم در ارزیابی زیبایی‌شناسانه تصاویر ارائه شده تفاوت معنی‌داری نداشتند. به عبارتی انتقال تجربه و تخصص و تأثیرگذاری آن در ترجیحات زیبایی شناسانه در طول زمان قابل پیگیری است (Safarova k. et al. 2019). در مطالعه‌ای با عنوان "ارزیابی تطبیقی ادراک فضای شهری از نگاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری، مطالعه موردی مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش تهران" پژوهشگران در پاسخ به این سؤال که چه وجوه افتراقی میان نگرش شهروندان و متخصصین شهری وجود دارد به این نتیجه می‌رسند که متخصصان دارای تجارب جهانی‌اند در حالی که مردم از تجارب محلی برخوردارند و توجه به ابعاد اجتماعی- فعالیتی فضا از نظر شهروندان پررنگ‌تر بوده در حالی که کارشناسان بیشتر متوجه شاخص‌های کمی و کالبدی‌اند (کریمی یزدی و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش دیگری با عنوان "تحلیل فضایی مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران و شهرسازان، نمونه موردی: شهر ارومیه" با هدف سنجش عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه شهروندان و شهرسازان و بررسی تفاوت دو دیدگاه یاد شده به این نتیجه می‌رسد که بینش دو گروه شهروندان (کاربران مکان) و شهرسازان (طراحان مکان) نسبت به درجه اهمیت وجوه معنایی مکان متفاوت است. شهروندان با توجه به عوامل شناختی و ادراکی و همچنین تجارب و زندگی روزمره در فضاهای شهری دارای بینش واقعی‌تر نسبت به مسائل و درجه اهمیت معانی موجود در مکان‌ها هستند. در حالی که شهرسازان بیشتر بر پایه آموزش‌های علمی و آکادمیک درباره مؤلفه‌های معنای مکان اظهارنظر می‌کنند (وحدت و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین در مطالعه‌ای با عنوان "تبیین الگوی طراحی مسکن، بر مبنای معیارهای عینی حس تعلق به مکان از دیدگاه کاربران و طراحان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)" نتایج نشان می‌دهد که از نظر شهروندان مهم‌ترین معیار در شکل‌گیری حس تعلق در فضای مسکونی، "راحتی و انس با فضا" و بعد از آن "حضور نشانه‌های فرهنگی" و "سرزندگی و کیفیت بصری" می‌باشند ولی از نظر طراحان "سلسله‌مراتب فضایی و نحوه دسترسی به آن" دارای بیشترین تأثیر است. این تحلیل نیز بیانگر شکاف بین طراحان و کاربران است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۸). نتایج مطالعه‌ای با عنوان "شناسایی عوامل کالبدی- فضایی مؤثر بر سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی از دیدگاه طراحان و ساکنین، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران" حاکی از آن است که بنابه نظر ساکنین مؤلفه "همبستگی و خاطره‌ساز بودن یک مکان"

سیاست‌گذاری شهری ارائه می‌دهد. در این رویکرد کیفی تفسیرگرا فارغ از باورها و تصورات پژوهشگر، شرایط محیط تعیین‌کننده داده‌ها بوده (گروت، ۱۳۸۶: ۱۸۰) و برعکس روش اثبات‌گرا، واقعیت خارج از انسان نیست بلکه در ذهن، آگاهی و تجربه او جریان دارد و از طریق تعامل بین کاربران با محیط انسان‌ساخت تفسیر می‌شود (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: ۶۹).

مبانی نظری پژوهش

موضوع مورد مطالعه در این پژوهش "فضای شهری" به عنوان محصول (فرآیند) طراحی شهری و چگونگی تبدیل آن به مفهوم "مکان" از خلال تجربه افراد می‌باشد. این امر با تکیه بر پیوند میان "نگرش و کنش" و نیز بررسی مبحث "کیفیت" به عنوان محل تلاقی میان "مفهوم‌سازی‌های نظری" و "معنایابی‌های تجربی" مورد توجه قرار گرفته است.

از واقعیت تا ذهنیت، از فضا تا مکان

ما انسان‌ها موجودات پیچیده‌ای هستیم که قابلیت درک، تفسیر و عکس‌العمل آگاهانه و هوشمندانه نسبت به مسائل پیرامون خود را داریم. از طرف دیگر، در محیطی قرار داریم که درک تمام پیچیدگی‌های آن برای ما امکان‌پذیر نیست. از این رو ما به‌طور مداوم در فرآیند گزینش اطلاعات و ادراک برای تبدیل یک عینیت ویژه (در اطراف خود) به ذهنیت و ملاک قرار دادن آن برای ارزیابی و بروز رفتار خود قرار داریم (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۱۰۵). یک روش پویا در مطالعه انسان در ارتباط با محیط اطرافش این است که فضا در مقیاس‌های مختلف شامل بدن، خانه، محله و شهر و از زوایای گوناگون مانند میزان باز یا بسته بودن فضا یا روش‌های مواجهه اجتماعی و برقراری ارتباط با فضا مورد توجه قرار گیرد که فضای داخلی ذهن در یک سر این خط مطالعه و فضاهای عمومی شهر در سر دیگر آن قرار می‌گیرند. فضای ذهنی و درونی به صورت غیرکالبدی است، همان فضای نرم افکار و احساسات که جهان را در برمی‌گیرد اما از واقعیت کالبدی ملموس بیرون قابل تمایز است. همان چیزی که دکارت تحت عنوان ذهن از آن یاد می‌کند (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۳-۱۸).

نسر در تشریح روابط میان فرد و محیط بیان می‌کند که ویژگی‌های اجتماعی- کالبدی مکان دارای ارتباطی متقابل با ویژگی‌های انسانی است و از این طریق بر ارزیابی‌ها و رفتار کاربر اثر می‌گذارد. منظور از فرد، ویژگی‌هایی نظیر شخصیت، وضعیت عاطفی، تجربه اجتماعی- فرهنگی، توقعات و نیت فردی است که در حال ارزیابی محیط

است. ویژگی‌های محیط^۲ نیز اشاره به ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی آن دارد. ویژگی‌های اجتماعی شامل هدف، فرهنگ، سن یا جنس افرادی است که از محیط استفاده می‌کنند. ویژگی‌های کالبدی دربرگیرنده مشخصه‌هایی نظیر اندازه، شکل، نظم یا خوانایی محیط است (Nasar, cited in Banerjee and Loukaitou, 2011). ایتلسون^۳ (۱۹۷۶) معتقد است در واقع فرد خود بخشی از نظام ادراکی است. گاهی اوقات در پردازش ادراکی جداسازی فرد از محیط دشوار است زیرا این دو همیشه در حال تعاملند و ادراکات بستگی به چیزی دارند که فرد در حال انجام آن در محیط است (مک اندرو، ۱۳۹۳: ۳۶). ادراک مجموعه فرآیندهایی است که ما از طریق آن، اطلاعات حسی دریافتی از محرک‌های محیطی را بازشناسی و سازماندهی می‌کنیم و به آن‌ها معنا می‌بخشیم (استرنبرگ، ۱۳۹۳: ۱۶۶). در مرحله ادراک، ابتدا اطلاعات دریافت شده را شناسایی می‌کنیم، سپس موارد مرتبط را یکپارچه نموده و مجموعه‌های یکپارچه شده را طبق مفاهیم ذهنی پیشین یا جدید طبقه‌بندی می‌نماییم. ادراک، فرآیند سازماندهی و تفسیر اطلاعات حسی جهت معنادار کردن آن‌ها است. (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۱۰۵). اساس ادراک، معنابخشی است. انسان‌ها نقش بسیار فعالی را در سازماندهی ادراکشان از محیط بازی می‌کنند. ما در تلاش برای معنادهی به اطلاعات حسی که در هر زمان دریافت می‌کنیم به شدت به تجارب قبلی در محیط وابسته هستیم (مک اندرو، ۱۳۹۳: ۳).

فضای ذهنی را می‌توان همان فضای ادراکی دانست. فوری‌ترین شکل آگاهی، آگاهی از فضای ادراکی است؛ یعنی فضای خودمحوری که از سوی هر فرد تصور می‌شود و مورد مواجهه قرار می‌گیرد. این فضایی است که محتوا و معنی‌دارد زیرا نمی‌تواند از تجارب و نیت جدا شود (رلف، ۱۳۹۰: ۱۱).

آنچه تریب به تبعیت از لینچ تحت عنوان تصویر ذهنی از شهر تعریف می‌کند در واقع گزینش ذهنی ادراکی از واقعیت‌های عرضه شده به فرد می‌باشد. او با تشریح سه رده فرم شهر (واقعیت)، منظر شهر (عینیت) و تصویر ذهنی یا سیمای شهر (ذهنیت)، بیان می‌دارد که تصویر ذهنی، ترکیبی غیرمادی و سازمان‌یافته است که نه تنها محیط کالبدی و اجزای تشکیل‌دهنده آن در ذهن شهروند، بلکه تظاهر فرمال ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و... از شهر را نیز دربرمی‌گیرد (Trieb, 1974) نقل در پاکزاد، ۱۳۹۰).

در تشریح نحوه ارتباط فرد با محیط اطرافش و ادراک و معنابخشی به آن، فهم چپستی معنای محیط یکی از

2. setting attributes
3. Ittelson

1. individual

انسان‌ها با یکدیگر، انسان‌ها با اشیا و اشیا با یکدیگر، این روابط در بطن محیط‌های انسان‌ساخت، چهار عنصر فضا، زمان، معنی و روابط را شکل می‌دهند (راپپورت، ۱۳۹۱: ۲۰۴-۲۰۳) بدین ترتیب می‌توان فضای شهری را آمیخته‌ای از ابعاد فیزیکی، عملکردی، اجتماعی و معنایی دانست که از یک طرف محصول فرآیند آگاهانه طراحی و خلق فضا توسط متخصصین و از طرف دیگر زمینه‌ساز تجارب فردی و اجتماعی مردم در زندگی شهری می‌باشد.

در استحاله مفهوم فضا به عنوان پدیده‌ای عینی به مکان به عنوان پدیده‌ای ذهنی، گروتز^{۱۱} معتقد است مکان، جا یا قسمتی از فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند صاحب هویت خاصی شده است. فضا را می‌توان جابجا کرد اما جابجایی مکان امکان ندارد. مکان حتی می‌تواند در ورای عملکرد، دارای مفهومی نمادین باشد (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۳۸). یک مکان مرکز عمل و نیت است، شولتز^{۱۲} معتقد است مکان کانون توجهی است که در آنجا ما رویدادهای معنی‌دار هستی خود را تجربه می‌کنیم (رلف، ۱۳۹۰: ۴۹).

مکان مرکز ارزش محسوس است، همراه با امنیت و پایداری که در آن نیازهای زیست-شناختی برآورده می‌شود. اگر فضا امکان وقوع حرکت را می‌دهد، مکان درنگی پدید می‌آورد (مدنی پور ۱۳۸۴، ۳۲). رلف^{۱۳} مکان‌ها را ذاتاً کانون گردآوری معناها می‌داند، معنایی که در تجربه‌های ما شکل گرفته‌اند، انسان‌ها چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی با الصاق معانی به فضاها، آن‌ها را به مکان تبدیل می‌کنند (Carmona, 2007: 101). کانتر^{۱۴} می‌کوشد تا پیوند میان انسان و محیط پیرامونش را به کمک مفهوم مکان و تشریح و گسترش آن به حیطه قلمرو فیزیکی تبیین نماید. او معتقد است که مطالعه مکان‌ها، پیوند آن با آدم‌ها و مفاهیمی^{۱۵} که برای آدم‌ها دارند، می‌باید بر پایه فرآیندهای شناخت انجام بگیرد. این فرآیند برهم‌کنش فرد با محیطش بوده و همواره مفاهیمی را برای او تداعی می‌کند. (Canter, 1997: 13) نقل در پاکزاد، ۱۳۹۰: ۲۲۶) اگر هدف از طراحی "آفرینش مکان" است، نقش طراحان در واقع فراهم کردن زمینه این آفرینش است. مونگومری در موضوع خلق مکان‌های موفق و معیارها و کیفیت‌های مرتبط با آن، تلفیق دو دیدگاه عینی و منطقی از یک‌سو و دیدگاه روان‌شناختی و احساسی از سوی دیگر را لازم می‌داند و به تشریح مؤلفه‌های کیفیت مکان در سه بعد عملکردی، فرمی و تصویر ذهنی (معنایی) می‌پردازد (Montgomery, 1998: 95). می‌توان گفت معنا به عنوان

موضوعات کلیدی است. کلمه محیط آن‌قدر مورد استفاده دارد که تشخیص معنای آن مشکل شده است. آن‌چنان‌که گیبسون^۱ (۱۹۶۶) و ایتلسون (۱۹۷۳) بیان می‌دارند، "فضای اطراف" اصلی‌ترین معیار تعریف "محیط" است و بنا بر نظر پورتیوس^۲ (۱۹۷۷) کلید هر تعریفی از محیط در این نکته نهفته است که محیط دارای ویژگی "احاطه‌کنندگی" است. بعضی از تحلیل‌ها بین محیط‌های کالبدی^۳، اجتماعی^۴، روان‌شناختی^۵ و رفتاری^۶ تمایز قائل شده‌اند. محیط کالبدی شامل مکان‌های زمینی و جغرافیایی، محیط اجتماعی شامل نهادهای متشکل از افراد و گروه‌ها، محیط روان‌شناختی شامل تصاویر ذهنی مردم و محیط رفتاری مجموعه عواملی است که فرد به آن واکنش نشان می‌دهد. نکته اصلی این دسته‌بندی‌های مشابه، تمایز بین جهان واقعی، حقیقی یا عینی اطراف انسان و جهان پدیدار شناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه الگوهای رفتار و واکنش روحی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند (لنگ، ۱۳۸۳: ۸۷).

به مانند تعدد تعاریف و برداشت‌ها از مفهوم محیط، در خصوص مفهوم فضای شهری نیز دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. برخی فضا را پدیده‌ای فیزیکی، گروهی دیگر زائیده فکر و عده‌ای محصولی از فرآیندهای اجتماعی می‌بینند. کولکوهن^۷ واژه فضای شهری را به دو گونه تعریف می‌کند: فضای اجتماعی و فضای ساخته شده. فضای اجتماعی تداعی فضایی نهادهای اجتماعی است (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۱۵). سجا^۸ (۱۹۸۹) دو مفهوم فضای فیزیکی با ماهیتی مادی و فضای ذهنی ادراک و بازنمایی را ارائه داده و سپس به تبعیت از لوفور^۹، مفهوم سومی به نام فضای اجتماعی را طرح می‌کند. لوفور به دنبال تلفیق فضای ذهنی با بستر اجتماعی و فیزیکی‌اش است. بحث او این است که ابعاد فضا یعنی ذهنی، فیزیکی و اجتماعی را نباید منفک از یکدیگر نگه داشت و بدین ترتیب شروع به ارایه "نظریه یکتاگراییانه" فضا می‌کند (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۲۲). مدنی پور با رویکردی جامع‌نگر، فضای شهری را فرآیندی اجتماعی-مکانی می‌داند که در معنایی کلی تمام ساختمان‌ها، اشیا و فضاهای شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آن‌ها را در برمی‌گیرد (مدنی پور، ۱۳۸۴). راپپورت^{۱۰} با دیدگاهی معناگرا، فضا را در روابط سه گروه با یکدیگر تعریف می‌کند:

1. Gibson
2. Porteous
3. physical
4. social
5. psychological
6. behavioral
7. Colquhoun
8. Soja
9. Lefebvre
10. Rapoport

11. Grutter
12. Schulz
13. Relph
14. Canter
15. concept

مؤلفه‌ای ویژه در ایجاد محیط مطلوب و تجارب مثبت، محتوای ذهنی پدیده مکان می‌باشد.

معنا، اساس مکان

فکر انسان اساساً سعی در ایجاد معنا با استفاده از تشخیص (تمایز)، دسته‌بندی، شکل‌ها و انگاره‌ها می‌نماید؛ به عبارت دیگر کالبد و عملکرد واجد معنا هستند (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۱۹). معنا پارامتری است که تأکید آن بیشتر بر ویژگی‌های ذهنی فرد است تا کالبد و فرم ظاهری محیط و در حقیقت کیفیت معنا در رابطه با محیط‌های جمعی، نمی‌تواند به صورت مستقل از عرصه ذهنی، خاطرات و فرهنگ ناظر فرصت ظهور و بروز یابد. اصولاً معنا آشکارا بر چیزی دلالت دارد که بیشتر به صورت کمی نیست. معنا، جنبه محتوایی یک پدیده است که جنبه فرمال و ظاهری آن را تکمیل می‌کند (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۸).

بعضی از معانی به استفاده‌های ابزاری بالقوه محیط ربط دارند و بعضی معانی دیگر به کیفیت‌های عاطفی که یک مشاهده‌گر یا استفاده‌کننده از محیط دریافت می‌کند و در این میان معنای نمادین از سطوح دیگر معنا ابهام بیشتری دارد (لنگ، ۱۳۸۳: ۲۳۱).

اکو^۱ (۱۹۶۸) با تشریح دو سطح از معنا به صورت صریح و ضمنی، معنای صریح (اشاره اصلی) را مبین عملکرد اصلی یا به عبارت دیگر عملکرد قابل حصول یک موضوع و همچنین معنای اصلی یک نماد، یک شیء، یک بنا و یا... دانسته و معنا یا اشاره ضمنی را به عنوان عملکرد ثانویه و دارای طبیعت نمادین و سمبولیک معرفی نموده و آن را از معنای صریح فراتر دانسته و در واقع اشاره‌ای به صفات یا خصوصیات انتزاعی موضوعات می‌داند که به همراه یک معنای صریح، تداعی شده و انتقال می‌یابد (کلالی و مدیری، ۱۳۹۱: ۴۶).

در رویکرد مردم شناسان به معنا، با مطالعه نظریات اندیشمندانی نظیر چامسکی^۲ (۱۹۷۷) و مالینوفسکی^۳ (۱۹۵۴) در مورد معنا، نکته اساسی تأثیر فرهنگ جوامع بر ادراک و فرآیند خلق معنا و نیز بحث ارزش‌ها و تأثیر و جایگاه آن در حصول معنا می‌باشد. صاحب‌نظرانی مانند راپاپورت (۱۹۸۲)، پیپر^۴ (۱۹۹۴)، بوگدانویچ^۵ (۱۹۷۵) و اسمیت^۶ (۱۹۷۵) بر نمادگرایی ناشی از قراردادهای اجتماعی تأکید دارند و عنصر کالبدی را مؤلفه‌ای برای انتقال معنا دانسته و معنا را در واقع به عنوان قراردادی اجتماعی ملاحظه می‌کند که از طریق شکل در فرآیند قراردادهای اجتماعی

و زمینه‌های فرهنگی آموخته و منتقل می‌شود. با مطالعه رویکرد روان‌شناسانی نظیر موریس^۷ (۱۹۷۶)، گیبسون (۱۹۵۰) و هرشبرگر^۸ (۱۹۷۴) به معنا، طبقه‌بندی ذهنی معنا تشریح می‌شود. هرشبرگر دو مفهوم را برای تعیین معانی فضایی ارائه نموده است: یکی مفهوم ذهنی که از شناخت انسان از طریق ادراک قابل فهم و تشخیص خواهد بود و دیگری مفهوم واکنشی است. وی مفهوم ذهنی را به مفاهیم عینی و استعاره‌ای منفک می‌نماید که مفهوم عینی به هیأت ظاهری و شکل باز می‌گردد و مفهوم استعاره‌ای تابع قراردادهای اجتماعی و فرهنگی می‌شود (حبیب، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۱۴).

گیبسون بین شش سطح معنا تمایز قائل شده است: اول، معنای ملموس ابتدایی، دوم، معنای استفاده، سوم، معنای ابزارها و ماشین‌ها، چهارم، ارزش و معنی اشیا، پنجم، نشانه‌ها، ششم، نمادها.

هرشبرگر نیز پنج سطح معنا را تشخیص داده است. اول معنای ظاهری است، شامل ادراک شکل و فرم، دوم معنای رجوع‌کننده، سوم معنای عاطفی، چهارم معنای ارزشیابانه و این که آیا چیزی خوب است یا بد و سطح پنجم معنای تجویزی (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۰۹-۱۰۸).

موریس سه سطح از معنا را تحت عنوان نحوی، مفهومی و عملکردگرا نام برده است. معانی نحوی از چگونگی قرارگیری یک ساختمان در محیط اطراف نتیجه می‌شود. سطح مفهومی به هنجارها، انگاره‌ها یا نگرشی که یک عنصر ارائه یا پیشنهاد می‌کند، اطلاق می‌شود و معنای عملکردگرا نماد را به استفاده‌کنندگان از محیط ربط می‌دهد (لنگ، ۱۳۸۳: ۲۳۲-۲۳۱). علاوه بر این موریس با رویکردی روان‌شناسانه معتقد است که معنا در دو سطح دیگر قابل طبقه‌بندی می‌باشد: ۱- سطح ارجاعی؛ که در آن معنا به مصداق اشاره داشته و بیشتر بر عامل خارجی تکیه دارد. ۲- سطح ارزشی؛ که در آن معنا به میزان هماهنگی میان معنای متبادر شده و دستگاه ارزشی ذهن ناظر اشاره داشته و عمدتاً بر عواملی نظیر فرد ناظر، درون انسان و... تکیه دارد.

بورديو نیز در همین رابطه معتقد است که هر پدیده معناهایی را در دو سطح اولیه و ثانویه از خود نشان می‌دهد که در سطح اولیه خصوصیات اصلی پدیده‌ها نظیر رنگ، شکل‌ها و ساختارها تجدید شده و در سطح ثانویه معنای نمادین آن‌ها گنجانده می‌شود (Burdieu, 1977) نقل در دانشپور، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

در دیدگاه ارتباط شناسان بررسی نظریات برلو^۹ (۱۹۶۰) قابل توجه می‌باشد. برلو معتقد است معنا درون پیام نیست.

1. Eco
2. Chomsky
3. Malinowski
4. Pieper
5. Bogdanovich
6. Smith

7. Morris
8. Hershberger
9. Berlo

در خصوص کیفیت در عرصه طراحی شهری، برخی کیفیت را تنها وابسته و برگرفته از فرم کالبدی محیط دانسته و آن را به مثابه صفت ذاتی محیط کالبدی می‌دانند، برخی دیگر کیفیت را مقوله‌ای ذهنی و تنها وابسته به ناظر دانسته و معتقدند کیفیت هیچ‌گونه ربطی با ساختار و خصوصیات محیط کالبدی ندارد و دسته سوم کیفیت را تقابلی میان ذهن و عین می‌دانند. تلقی کیفیت به مثابه "پدیدار" یا "رویداد"ی که در جریان دادوستدی میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی‌های فردی ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد. نظریه پردازان تجربه‌گرایی طراحی شهری همچون "لینچ"، "اپلارد"، "لنگ" و "نسر" را می‌توان مهم‌ترین حامیان این‌گونه تلقی از مفهوم کیفیت طراحی شهری دانست. نسر معتقد است کیفیت طراحی شهری به عنوان یک مفهوم، از طریق به عرضه گذاشته شدن خصوصیات محسوس از طرف محیط کالبدی از یک سو و مورد ادراک، شناخت و ارزیابی قرار گرفته شدن آن‌ها توسط ناظر از سوی دیگر خلق می‌شود (گلکار، ۱۳۷۹: ۴۰ و Nasar, 1994: 381).

کرمونا در بررسی کیفیت‌های فضای عمومی چنین بیان می‌دارد که این یک اشتباه است که فکر کنیم کیفیت فضای شهری تنها توجهات بصری و زیبایی شناسانه است. چرا که توجه به ماهیت محیط و فرایندهای جاری در آن نشان می‌دهد که فعالیت‌های انتخابی مانند یک شاخص برای ارزیابی کیفیت محیط می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد؛ زیرا این‌گونه فعالیت‌ها در محیطی جریان می‌یابند که ویژگی‌ها و شرایط فیزیکی و کالبدی مناسب داشته باشند. فعالیت‌های جاری در فضا بر روی ادراک نیز تأثیرگذار است، چرا که باعث ماندن بیشتر مردم در محیط می‌شود و از این‌رو حس سرزندگی و قابلیت زندگی را به فرد القا می‌کند و در نتیجه فعالیت‌های اجتماعی به دلیل حضور افراد در محیط و شرایط کالبدی خوب واقع شده و زندگی اجتماعی در صورت مناسب خود در فضا شکل می‌گیرد (Carmona, 2008: 11-12). مدنی پور نیز چنین بیان می‌دارد که کیفیت‌های بصری، یکی از چند کیفیت مکانی محیط مصنوع است (مدنی پور، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

در ادامه برخی مفاهیم نظری درخصوص ابعاد کیفیت در طراحی فضای شهری از نظرگاه متخصصین ارائه گردیده است (شکل ۱). آنچه مورد سؤال این پژوهش است چگونگی و میزان خوانش این مفاهیم نظری به وسیله افراد در فضا می‌باشد، نتیجه این امر ارزیابی کیفیت محیط توسط استفاده‌کنندگان فضا و کسب آگاهی از ترجیحات و رضایت آن‌ها از محیط خواهد بود.

معناها در استفاده‌کننده پیام بوده و نتیجه عوامل فردی و عوامل جهان فیزیکی اطراف فرد هستند. از این‌رو معناها هرگز ثابت نیستند. همان‌گونه که تجربیات انسان تغییر می‌کند، معانی نیز تغییر می‌کنند. دو فرد هرگز نمی‌توانند معانی کاملاً مشابه داشته باشند و در بسیاری موارد حتی دو نفر فاقد هر نوع تشابه معنا هستند. مردم همیشه به محرک‌ها براساس تجربیات خود پاسخ می‌دهند (محسنیان راد، ۱۳۹۲).

کیفیت‌های محیط، اتصال مفاهیم به تجربه‌ها

آن‌چنان که تیبالدز اشاره می‌کند مردم از طریق کیفیت به خصوص کیفیت (محیط) فیزیکی که در اطراف خویش مشاهده می‌کنند، قضاوت می‌کنند و عملکردها و جذابیت مکان‌ها برای آن‌ها مورد توجه است. (Tibbalds, 1984: 24). برخی از کیفیت‌های محیط شهری نتایج تعامل میان کنش انسان و فضای فیزیکی طبیعت هستند. فرایندهای اجتماعی، در طول زمان، فضای انسانی را با کنش متقابل با این فضای طبیعی، خلق کرده‌اند. بدین ترتیب، جنبه‌های ویژه فضای انسانی، با برهم‌کنش میان ویژگی‌های فضای طبیعی و خصیصه اجتماعی مردمی که آن را اشغال و دگرگون کرده‌اند تعیین می‌شود (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۵۱).

کیفیت‌ها در کلیت خود تعین درونی و اساسی پدیده‌ها می‌باشند که "آن را تبدیل به چیزی می‌کنند که می‌بایستی باشد." و بدین‌وسیله یک چیز را از همه چیزهای دیگر متمایز می‌گردانند. کیفیت می‌تواند به مرزبندی چیزها از یکدیگر منجر شود، کیفیت، مفهومی دو وجهی است، یعنی مفهومی است "روشن و واضح" ولی در عین حال "چندپهلوی"، مفهومی است "قابل فهم" ولی در عین حال "فرار" که به راحتی تن به تعریف شدن نمی‌دهد (گلکار، ۱۳۷۹: ۴۰).

کیفیت یک شیء از دو منبع یا دو عرصه سرچشمه می‌گیرد: عرصه "ذهنی" فرد و عرصه "عینی" شیء و درجه و میزان برتری، مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگی‌های آن شیء درک و محسوب می‌گردد. کیفیت یک شیء از دو منبع "ضمیر" فرد و خود "شیء" نشأت می‌یابد که به ترتیب آن‌ها را "ارزش" و "مقیاس اندازه‌گیری" نامیده، بیانگر دو گروه "کیفیت‌های مطلوبیتی" و "کیفیت‌های ظرفیتی" اشیاء هستند (Billings, 1993 نقل در گلکار، ۱۳۷۹: ۴۰).

1. ego
2. object
3. value
4. measure
5. qualities of desirability
6. qualities of capacity



شکل ۱: برخی مفاهیم نظری در خصوص کیفیت فضای شهری (مأخذ: کلکار ۱۳۷۹، نقی زاده ۱۳۸۵، توسلی ۱۳۶۹، پاکزاد ۱۳۸۵، Carmona 2008, Carmona 2003, Montgomery 1998)

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع و هدف آن، یک طرح کیفی به نام نظریه داده بنیاد است. براساس این نوع طرح تحقیق، در این پژوهش مجموعه ای از مضامین اولیه فرآیند خوانش و طراحی فضای شهری طی فرایند کدگذاری باز^۱ از طریق تحلیل گفته های افراد، گردآوری و از بطن آن ها مقوله هایی استخراج می گردد. سپس، در مرحله کدگذاری محوری^۲، پیوند میان این مقوله ها ذیل عناوین مختلفی کدگذاری می شود. در ادامه و در مرحله کدگذاری گزینشی^۳، یک به یک اجزای پارادایم کدگذاری تشریح،

سیر داستان ترسیم و نظریه خلق می شود. نظریه داده بنیاد را می توان یک روش تحقیق کیفی که مجموعه منظمی از رویه ها را برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقراء در مورد یک پدیده به کار می گیرد، تعریف نمود. (Strauss & Corbin, 1990) سه عنصر اصلی روش نظریه پردازی داده بنیاد، مفاهیم^۴، مقوله ها^۵ و قضیه ها^۶ هستند. (Strauss, 1987)

۱. **مفاهیم:** بلوک هایی هستند که ساختمان دانش به وسیله آن ها ساخته می شود. یک مفهوم، یک کلمه (واژه) یا مجموعه ای از کلمات است که معنایی از طریق آن ها انتقال

4. Concepts
5. Categories
6. Theorems

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding

جدول ۱: سؤال‌های مصاحبه با گروه مردم پیرامون تجربه یک فضای شهری خوب

ردیف	سؤال
۱	یک فضای شهری خوب که تا به حال تجربه کرده‌اید نام ببرید؟
۲	لطفاً توضیح دهید چه چیزهایی در این فضا وجود دارد که باعث خوب بودن آن شده است؟ چه چیزهایی از این فضا را دوست دارید؟
۳	این فضا را در ذهن خود مجسم کنید و سپس هر آن چه به یاد می‌آورید نام ببرید؟
۴	بودن در این فضا چه احساسی به شما می‌دهد و یا چه معنایی را در ذهن شما زنده می‌کند؟

جدول ۲: سؤال‌های مصاحبه با گروه متخصصین پیرامون تجربه یک فضای شهری خوب

ردیف	سؤال
۱	به نظر شما ویژگی‌ها و کیفیت‌های یک فضای شهری خوب چیست؟
۲	این ویژگی‌ها و کیفیت‌ها چطور در طرح مصداق پیدا می‌کند و به کار گرفته می‌شود؟
۳	به نظر شما مردم بیشتر چه انتظاری از فضای شهری دارند و یا بیشتر تمایل به حضور در چگونه فضاهایی در شهر دارند؟
۴	نقش طراحان و نقش مردم در شکل‌دهی به فضای شهری چگونه است؟

شامل مردم عادی و متخصصان می‌باشد. نمونه این پژوهش دربرگیرنده ۲۰ نفر از افراد متخصص و ۳۰ نفر از مردم عادی بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند^۵ (متخصصان و مردم) انتخاب شدند. مصاحبه با هر گروه به‌طور جداگانه از ۴ سؤال باز تشکیل شده است (جدول ۱ و ۲).

به منظور توجیه تعداد نمونه، در این تحقیق از اشباع نظری^۶ (Glaser & Strauss, 1967) استفاده شد. اشباع نظری مقوله، مبنای داوری درباره زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است؛ در واقع نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی به پایان می‌رسد که دیگر چیز جدیدی به دست نیاید.

اعتبار سنجی پژوهش از چند طریق بررسی شد، شامل تأیید مشارکت‌کنندگان و بررسی همپایان، درگیر بودن محقق با پدیده و تعدد روش و منابع جمع‌آوری داده‌ها، (Creswell, 2005, 2009). این راهبردها به صورت بازبینی و تأیید روش و نتایج توسط تعدادی از اساتید و صاحب‌نظران و نیز تأیید مجدد مفاهیم استخراج شده توسط شماری از افراد مصاحبه‌شونده، حضور و بررسی طولانی‌مدت محقق در خصوص موضوع کیفیت فضای شهری، بهره‌گیری از تنوع و تعدد منابع جمع‌آوری داده مانند مشاهده، مصاحبه، بررسی پژوهش‌ها، مقالات و نظریات مرتبط و مقایسه فرآیند و تبیین نظری بدست آمده با پیشینه تخصصی و نظری موجود به اجرا درآمد.

داده می‌شود.

۲. مقوله‌ها (طبقه‌ها): از ترکیب یا کنار هم قرار گرفتن چند مفهوم، یک مقوله یا طبقه تشکیل می‌شود. مقوله‌ها نسبت به آن چه مفاهیم نشان می‌دهند تجریدی‌تر و در سطح بالاتری قرار دارند. در مقوله‌ها یکپارچه‌سازی مفاهیم اتفاق می‌افتد.

۳. قضیه‌ها: بیانگر روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله (طبقه) و مفاهیم آن با مقوله‌های دیگر است. در قضیه‌ها، یکپارچه‌سازی موضوعی اتفاق می‌افتد و تئوری‌ها پایه‌ریزی می‌شود. عناصر اصلی در این روش مفاهیم هستند؛ چرا که تئوری‌ها از طریق مفهوم‌سازی داده‌ها ایجاد می‌گردند (Strauss, 1987).

پس از انجام مراحل کدگذاری و انتخاب مقوله محوری به عنوان پدیده مرکزی در مرکز فرآیند در حال بررسی که در این پژوهش فرآیند خوانش و طراحی فضای شهری می‌باشد، مقوله‌های دیگر شامل «پیامدها»^۱، «شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر»^۲، «راهبردها»^۳، «شرایط علی»^۴ شناسایی و مدل زمینه‌ای ترسیم و تبیین نظری صورت می‌گیرد. (Creswell, 2005)

همچنین در تحقیق حاضر، از روش مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش در دو گروه

1. Consequences
2. Underlying & interventionist conditions
3. Guidelines
4. Causal conditions

5. Purposive sampling
6. Theoretical Saturation

فرآیند کدگذاری و یافته‌های تحقیق کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با مردم

اولین دسته از مفاهیم استخراج شده در روند کدگذاری باز، حول مفاهیم «تنوع کاربری»، «سطح خدمات‌دهی و امکانات عمومی فضا» و «تفریحات و سرگرمی‌ها» قرار گرفت. بیان گزاره‌هایی چون «در پاساژ همه جور مغازه‌ای وجود دارد»، «بوفه‌ها و رستوران‌هایی که در فضا هستند خیلی خوب است»، «هم فضا برای ورزش و تفریح دارد هم برای استراحت با خانواده»، «تنوعی از کاربری‌ها و مغازه‌ها را می‌توان در فضا دید» و... نمونه‌ای از گزاره‌های مطرح شده در این دسته‌بندی می‌باشند. کنار هم قرارگیری چنین ویژگی‌هایی در فضا در واقع دربردارنده «کیفیت‌های عملکردی فضا» می‌باشد که به عنوان مقوله در این دسته‌بندی گزینش شد. پاسخگویی عملکردی فضا به نیازهای استفاده‌کنندگان یکی از دلایل گزینش فضا توسط آنان بیان گردیده است.

دسته دوم مفاهیم استخراج شده دربردارنده برداشت‌های مثبت افراد از ویژگی‌های فیزیکی محیط بود. بیان جملاتی چون «محیط وسیع آن جا را دوست دارم»، «فضای مدرن و شیکی دارد»، «پاکیزگی و نظافت قابل قبولی دارد»، «هر چیزی سر جای خودش قرار گرفته» و... مفاهیم «مقیاس و تناسبات»، «در دسترس بودن»، «سبک معماری و طراحی»، «نشانه‌ها و جذابیت‌های بصری»، «کیفیت مناسب ساخت و نگهداری»، «طبیعی، سبز و پاک» و «نظم» را در خود مستتر داشت. به روشنی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این مفاهیم در مقوله «کیفیت‌های مؤلفه فیزیکی فضا» قرار می‌گیرند که سازنده تمامی نمودهای ملموس و کالبدی فضا می‌باشد. استفاده از واژه «فیزیکی» به جای «کالبدی» همچنان که در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند، تأکید پژوهشگر بر این نکته است که این نمودهای ملموس در واقع صرفاً در گستره حوزه بینایی قرار نگرفته و می‌تواند تمامی حواس را در برگیرد. این امر در مطرح کردن پرسش از مصاحبه‌شوندگان نیز مدنظر قرار گرفت.

بخش سوم از کدهای استخراج شده با یافتن گزاره‌های مشابهی چون «دیدن مردم در فضا احساس سرزندگی به من می‌دهد»، «تنوع آدم‌های متفاوتی که در فضا هستند برایم جالب است»، «این فضا را دوست دارم، چون هر وقت به اینجا می‌آیم آدم‌های زیادی می‌بینم» و... متمایز گردید که مفاهیم «زندگی عمومی جاری در فضا» و «فراگیر و همه‌شمول بودن» را در برداشت. این بدان معناست که فضا برای تمامی گروه‌های جنسیتی، سنی و... در دسترس است و تشویق‌کننده به تعاملات اجتماعی و زندگی عمومی است. این مفاهیم در واقع سازنده مقوله «کیفیت مؤلفه اجتماعی فضا» می‌باشند. از آن جا که تأکیدات ویژه‌ای در داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها بر روی این مؤلفه وجود دارد

و علیرغم اینکه زندگی عمومی در فضا در بسیاری از طبقه‌بندی‌های نظری تحت مقوله مؤلفه عملکردی فضا مطرح می‌شود، اما استدلال پژوهشگر بر این است که این مؤلفه در واقع حوزه اهمیت متمایزی را می‌تواند به خود اختصاص دهد. چرا که فعالیت‌های منسوب به فضا و در معنای دقیق‌تر رفتارهای قابل مشاهده در فضای شهری، خود حاصل حضور انسان و کنش و واکنش او با فضا می‌باشند. اگر انسان از فضا حذف شود، دسته‌بندی‌های انتزاعی به نام عملکرد و یا کاربری می‌توانند همچنان در فضا قرار بگیرند اما نه به صورت بالفعل؛ اما پس از حضور افراد و اضافه شدن بعد اجتماعی به فضا، رفتارها در فضا جاری می‌گردند. از این رو «مؤلفه اجتماعی فضا» به عنوان جزء چهارم مدل‌های مکان و در کنار کالبد، عملکرد و معنا مطرح می‌گردد.

آخرین دسته از کدگذاری‌های حاصل از مصاحبه با مردم، با بیان گزاره‌هایی چون «این فضا زیبایی و صمیمیت خاصی دارد»، «فضای متمدنی است»، «حس آرامش فضا را دوست دارم»، «از بودن در فضا احساس خوبی دارم» و... راهنمایی برای استخراج مفاهیم «راضی‌کننده و آرامش‌بخش بودن فضا»، «احساس غرور شهروندی» و «قدمت و بار تاریخی فضا» در بخش کدگذاری محوری گردید. در واقع این گزاره‌ها از جنس نمودهای بیانی از معناهای ذهنی هستند. برداشتی هستند ذهنی در سطح معانی و احساسات از آن چه در فضا دیده شده، شنیده شده و در واقع با تمامی حواس به تجربه درآمده است. آن چه در قالب گزاره‌های استخراج شده در این بخش از سوی مصاحبه‌شوندگان بیان گردیده در واقع قضاوت‌ها و برداشت‌های معنایی آن‌ها از فضا است. از این رو مقوله «کیفیت مؤلفه معنایی فضا» می‌تواند تمامی این مفاهیم و ارتباط بین آن‌ها، فضا و فرد را پوشش دهد.

یافتن مقوله‌ها در این پژوهش در دو سطح صورت پذیرفت. سطح (۱) که حاصل از ارتباط بین مفاهیم و تعیین سطح تجریدی‌تری بین آن‌ها بود در توضیحات بالا مطرح گردید و سطح (۲) که به عنوان مرکز تلاقی مقولات در سطح قبلی، مکان‌یابی گردید. این سطح بالاتر که تنها یک مقوله را به خود اختصاص داد، «ارزیابی مثبت فضا» نام گرفت.

مرور مجدد مراحل کدگذاری و مقایسه آن‌ها با متون و یادداشت‌های حاصل از مصاحبه‌ها، نشان داد که در واقع تمامی مصاحبه‌شوندگان در صحبت‌های خود، تمامی مقولات سطح (۱) را پوشش می‌دهند؛ به عبارت دیگر، تمامی مصاحبه‌شوندگان در بیان تجربه خود از یک فضای شهری خوب و مطلوب، مطالبی را بیان کرده‌اند که هم‌زمان «کیفیت مؤلفه عملکردی فضا»، «کیفیت مؤلفه فیزیکی فضا»، «کیفیت مؤلفه اجتماعی فضا» و «کیفیت مؤلفه

نیز در جریان است. آن چنان که در جدول تحلیل داده‌ها مشاهده می‌شود، ستونی تحت عنوان «مفاهیم هم‌ارز» در کنار هر ردیف از کدگذاری‌ها قرار گرفته است. تأکید ویژه پژوهشگر در خصوص تحلیل‌های معنایی در جریان خوانش و ارزیابی فضای شهری توسط استفاده‌کنندگان فضا، متأثر از اهمیت مؤلفه معنا در تبدیل فضا به مکان می‌باشد. در این بخش از تحلیل برای یافتن مفاهیم هم‌ارز معنایی از طبقه‌بندی شش سطحی گیبسون استفاده شده است. آن چنان که مشاهده می‌شود، فضاهایی که در زمره فضاهای شهری خوب از دیدگاه مردم قرار گرفته‌اند، تقریباً توانایی پوشش دادن سطوح مختلف معنایی را در خود دارند و این همان «کیفیت مؤلفه معنایی فضا» است. در واقع هر مؤلفه‌ای، باعث تجلی سطحی از معنا می‌شود و فضایی بهتر خواهد بود که توانایی ایجاد زمینه برای تجلی بیشترین سطوح معنا را داشته باشد (جدول ۳).

معنایی فضا» را دربردارد و درنهایت کنار هم‌نشینی این مقولات باعث «ارزیابی مثبت» آنان از فضا شده است. نکته قابل توجه دیگر این است که بیشترین تعداد گزاره‌ها مربوط به «کیفیت فیزیکی فضا» و سپس «کیفیت عملکردی» و «کیفیت اجتماعی فضا» می‌باشد و درنهایت گزاره‌های معنایی آنان از فضا (کیفیت معنایی فضا) که دربردارنده بازخورد سه مؤلفه فیزیکی، عملکردی و اجتماعی فضا می‌باشد، بیان گردیده است. این امر نشان‌دهنده آن است که افراد فضا را با تمامی ابعاد آن ادراک می‌کنند و نسبت به آن واکنش ارزیابانه انجام می‌دهند. در این بین بیشترین اشارات محیطی از محتوای فیزیکی محیط دریافت می‌شود. هم‌زمان با این جریان، مؤلفه عملکردی و اجتماعی که در تلفیق با هم جریان رفتارها و واکنش‌های انسانی به زمینه‌های موجود فضا را می‌سازند مورد خوانش قرار می‌گیرند.

در هر بخش از خوانش محتوای فضا، نوعی از تجلی معنایی

جدول ۳: کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با گروه مردم پیرامون تجربه یک فضای شهری خوب

مفاهیم استخراج شده از داده‌ها (کدگذاری باز)	طبقه‌بندی مفاهیم (کدگذاری محوری)	مفاهیم هم‌ارز	کدگذاری گزینشی (مقوله سطح ۲)	کدگذاری گزینشی (مقوله سطح ۱)
«در پاساژ همه جور مغازه‌ای وجود دارد» «بوفاها و رستوران‌هایی که در فضا هستند خیلی خوب است» «هم فضا برای ورزش و تفریح دارد هم برای استراحت با خانواده» «تنوعی از کاربری‌ها و مغازه‌ها را می‌توان در فضا دید» «امکانات تفریحی زیادی دارد» «با یک بار رفتن به اینجا می‌توانم هرچه می‌خواهم را تهیه کنم» «با خیال راحت می‌توانی کالاهای را تست کنی و مشاوره بگیری» «وجود نمازخانه مناسب و دل چسب» «آلاچیق‌ها و صندلی‌های سایه‌بان دار دارد» «تیمکتهای مناسبی در طبقات وجود دارد» «سرویس بهداشتی قابل قبولی دارد» «محیط وسیع آن جا را دوست دارم» «پارک فضای بزرگی دارد که آن را دوست دارم» «فضای کافی برای ایستادن و دیدن ویترین‌ها وجود دارد» «کل پارک را می‌شود با دوچرخه گشت» «پارکینگ‌های آن جا خیلی خوب است» «دسترسی سریع و مناسبی دارد» «شب‌ها با اطمینان خاطر به اینجا می‌آیم» «فضای مدرن و شیک دارد» «فضا با سبک خوبی طراحی شده» «یک دستگاه پیانوی خیلی زیبا در طبقه اول وجود دارد» «ساختمان تئاتر شهر تک و بی‌نظیر است» «از اینجا کل شهر را می‌توان دید» «محیط پاساژ پر نور و روشن است و همه‌چیز سالم و تمیز است» «پاکیزگی و نظافت قابل قبولی دارد» «هوای تازه بدون آلودگی، صدای پرندگان، منظره زیبا در فصل پاییز» «حوض آب در ورودی یک حس تازگی به وجود آورده» «فضا را چون سنتی است دوست دارم» «هر چیزی سر جای خودش قرار گرفته» «احساس سردرگمی ندارم چون فضا منظم است»	تنوع کاربری خدمات‌دهی و امکانات عمومی تفریحات و سرگرمی‌ها جاذبیت اقتصاد ریزدانه انعطاف‌پذیری	تجلی معنایی: کاربردی	کدگذاری گزینشی (مقوله سطح ۲)	کیفیت مؤلفه عملکردی
«مقیاس و تناسب» «در دسترس» «سبک معماری و طراحی» «نشانه‌ها و جاذبیت‌های بصری» «کیفیت مناسب ساخت و نگهداری» «طبیعی، سبز و پاک» «نظم» «آسایش اقلیمی» «امنیت»	تجلی معنایی: معنای اولیه و ملموس، معنای کاربردی، معنای ایزاری	کیفیت مؤلفه فیزیکی	ارزیابی مثبت فضا	

مفاهیم استخراج شده از داده‌ها (کدگذاری باز)	طبقه‌بندی مفاهیم (کدگذاری محوری)	مفاهیم هم‌ارز	کدگذاری گزینشی (مقوله سطح ۱)	کدگذاری گزینشی (مقوله سطح ۲)
“دیدن آدم‌های متفاوت جلوی ویترین مغازه‌ها سرگرم‌کننده است” “دیدن مردم در فضا احساس سرزندگی به من می‌دهد” “تنوع آدم‌های متفاوتی که در فضا هستند برایم جالب است” “این فضا را دوست دارم، چون هر وقت به اینجا می‌آیم آدم‌های زیادی می‌بینم” “دیدن رفت‌وآمد آدم‌ها سرگرم‌کننده است” “شنیدن صدای شادی و خنده بچه‌ها در فضا حال و هوای آدم را عوض می‌کند” “جایی را دوست دارم که تنها نباشم و بتوانم با افراد دیگر صحبت کنم” “وقتی به پارک می‌روم یکی از تفریحاتم تماشای مردم است” “حتی امکاناتی برای حضور معلولین وجود دارد”	زندگی عمومی جاری در فضا فراگیر و همه‌شمول آزادی انتخاب دوستانه	تجلی معنای: معنای ارزشی و احساسی	کیفیت مؤلفه اجتماعی	ارزیابی مثبت فضا
“در هنگام خرید اجازه دارید ساعت‌ها در میان فروشگاه‌ها بگردید و سر فرصت خرید کنید” “فضا به حس خاص سکون و آرامش به آدم می‌دهد” “انگار در فضا نظم و قانون خاصی وجود دارد” “اینکه شما می‌توانید برای زندگی و گذران زمان برنامه‌ریزی داشته باشید خوب است” “حس آرامش فضا را دوست دارم” “از بودن در فضا احساس خوبی دارم” “هر وقت به آن جا می‌روم احساس می‌کنم از زندگی روزمره آزاد شده‌ام” “شهروندی” “احساس آرامش از این که زمانت تلف نمی‌شود” “احساس محترم شمرده شدن از سوی صاحبان فروشگاه‌ها” “این فضا زیبایی و صمیمیت خاصی دارد” “فضای متمدنی است” “برایم جذاب است تجسم تاریخ و گذشته را در فضا مرور کنم” “اینجا مثل فضاهای مد شده و تکراری جاهای دیگر نیست” “درختان کاج قدیمی زیادی دارد که فضا را چشمگیر کرده به فضا قدرت خاصی داده” “اینجا نمادی از تهران است”	راضی‌کننده و آرامش‌بخش احساس غرور قدمت و بار تاریخی خوانایی دسترسی روانی امکان شخصی‌سازی اصالت و هویت	تجلی معنای: معنای ارزشی و احساسی، معنا در سطح نمادها و نشانه‌ها	کیفیت مؤلفه معنایی	

تحلیل و کدگذاری داده‌ها در این بخش، دو دسته از یافته‌ها را در طیفی از دیدگاه‌ها تا اقدامات پیش روی محقق قرار داد که در قالب دو جدول طبقه‌بندی و کدگذاری شدند. اولی تحت عنوان دیدگاه‌های نظری (جدول ۴) و دیگری تحت عنوان اقدامات عملی (جدول ۵).

تحلیل توضیحات افراد متخصص در خصوص ویژگی‌ها و کیفیت‌های یک فضای شهری خوب نشان می‌دهد که بیشترین گزاره‌ها که مشابهِت‌های مفهومی داشتند و واژگان کلیدی تقریباً یکسانی در آن‌ها بکار رفته بود مانند «فضای شهری باید خاطره‌ساز باشد»، «مردم باید در فضای

کدگذاری و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با متخصصین و حرفه‌مندان

این بخش از داده‌ها، با استفاده از مصاحبه با افراد متخصص که حداقل ۵ سال سابقه کاری مرتبط در حوزه مورد مطالعه را داشتند صورت پذیرفت. به منظور اطمینان از داده‌های حاصل از مصاحبه، طیف متنوعی از این افراد گزینش شد که در بالاترین سطح، اساتید دانشگاه و مدیران شهری متخصص را نیز در بر گرفت تا هم دیدگاه‌های حوزه نظری و مفهومی و هم دیدگاه‌های حوزه عملی و تجربی مورد مذاقه قرار گیرد.

طراحی فضای شهری داشت. از آن جا که بیشترین تأکیدات در این مفاهیم حول مؤلفه‌های معنایی و اجتماعی فضا قرار می‌گرفت، کنار هم قرارگیری این مفاهیم، سازنده مقوله‌ای تحت عنوان «نگرش اجتماعی- معنایی به فضای شهری» گردید و این امر دور از انتظار نبود، چرا که متون نظری بسیاری در ادبیات طراحی شهری پیرامون مقوله «مکان» و اهمیت مؤلفه «معنایی» فضا به رشته نگارش درآمده و این باعث شکل‌گیری سمت‌وسوی معنایی- اجتماعی در نگرش‌های طراحان و متخصصین شده است.

کدهای استخراج شده در جدول (۵)، با توجه به پرسش‌هایی دسته‌بندی شده‌اند که پیرامون تبدیل دیدگاه‌ها و حوزه‌های نظری طراح به طرح، پرسیده شده‌اند؛ به عبارت دیگر در این پرسش‌ها نحوه عمل متخصصین و طراحان در روند طراحی فضای شهری آشکار می‌گردد.

بیان گزاره‌هایی چون «شهرسازی باید تجلی کالبدی داشته باشد»، «هر چیزی که با مقولات کالبدی سروکار داشته باشد با شهرسازی در ارتباط است»، «آرایش فضایی و مناسبات کالبدی محمل بروز تفکرات طراحی است»، «تفاوت شهرسازی با جامعه‌شناسی در محصول آن است. محصول شهرسازی تجلی عینی و کالبدی دارد»، «طراح از طریق نقشه‌ها و تصاویر و ضوابط و مقررات، اهداف خود را عینی می‌کند» و ... چنین نشان می‌دهد که تمرکز گزاره‌ها بر روی مؤلفه‌های فیزیکی و عملکردی فضا قرار گرفته است. از این‌رو این گزاره‌ها تحت عنوان مفاهیم «طراحی مؤلفه فیزیکی فضا» و «طراحی مؤلفه عملکردی فضا» قرار می‌گیرند. کنار هم‌نشینی این مفاهیم و روابط میان آن‌ها در نهایت سازنده خروجی‌های فرآیند طراحی فضا می‌باشد و در واقع عمل طراحانه به واسطه این دو مفهوم صورت عینی به خود می‌گیرد. به همین دلیل محقق مناسب‌ترین مقوله برای دسته‌بندی نهایی این بخش را «کنش طراحانه» گزینش نمود.

بدین ترتیب در نگرش فکری طراحان و متخصصین، بیشتر رویکردهای اجتماعی و معنایی مورد تأکید قرار می‌گیرد در صورتی که در کنش‌های طراحانه، اقدامات بر پایه مؤلفه‌های فیزیکی و عملکردی است.

شهری احساس تعلق کنند»، «فرد باید احساس کند به‌طور ذهنی مالک فضا است»، «فضا باید احساسات فرد را به خود درگیر کند» و ... در مقیاس کدگذاری محوری، مفاهیم «تأکید بر کیفیت مؤلفه معنایی فضا» و «تأکید بر کیفیت مؤلفه اجتماعی فضا» را به خود اختصاص می‌دهند. چرا که با به‌طور مستقیم واژگان «معنا» و «مردم» در آن‌ها بکار گرفته شده یا مفاهیم احساسی- معنایی و اجتماعی را با واژگان دیگری چون «حس مکان» و یا «رخداد‌های اجتماعی» بیان می‌کنند. از آن جا که فرآیند کدگذاری مرزبندی مشخصی در جریان اجرا ندارد و محقق می‌تواند در تمام مسیر کدگذاری‌ها حرکت کرده و به‌طور مداوم به اصلاح و بازبینی کدهای اختصاص داده شده بپردازد، از واژه «تأکید...» در کدگذاری این قسمت استفاده شده است. این امر بدان دلیل است که همان‌طور که گفته شد به لحاظ کمیت و تعداد گزاره‌های مطرح شده در متون مصاحبه، بیشترین گزاره‌ها در طبقه‌بندی این مفهوم (مؤلفه معنایی و اجتماعی) قرار می‌گیرند و این نکته نشان از «تأکید» بر مفهوم موردنظر دارد.

دسته دوم کدهای باز با استفاده از گزاره‌هایی چون «فضا باید تجربه‌های فعالیتی گوناگونی را عرضه کند»، «فضا باید توانایی حمایت از برقراری فعالیت‌های مختلف در راستای زندگی عمومی را داشته باشد»، «ماهیت چندمنظوره فضا، باعث شکل‌گیری چندین فضا در یک ظرف کالبدی می‌شود» و ... به روشنی بر مفهوم «توجه به کیفیت مؤلفه عملکردی فضا» دلالت دارد. استفاده از واژه «توجه ...» در این بخش نیز به دلیل مقایسه کمی بین گزاره‌ها در کلیت مصاحبه و مقایسه آن‌ها با مفاهیم مرتبط با مؤلفه‌های معنایی و اجتماعی فضا می‌باشد، از آن جا که به لحاظ کمیت، گزاره‌های مرتبط با مفهوم عملکرد، تعداد کمتری را به خود اختصاص می‌دادند ولی در عین حال در نظرات و نگرش‌های طراحان موردتوجه قرار گرفته‌اند، صورت واژگانی کدگذاری محوری در این بخش به صورت «توجه به مؤلفه عملکردی فضا» تدوین گردید.

دسته سوم کدگذاری باز در جدول (۴) با جداسازی گزاره‌هایی چون «فضا باید متناسب با اقلیم طراحی گردد»، «فضا ظرفی است کالبدی»، «انعطاف‌پذیری کالبدی معیاری است در راستای ارتقا کیفی»، «امروزه فضا جسم ماندگاری ندارد و این یکی از عوامل تنزل کیفیت فضای شهری است» و ... هدایت‌گر ساخت مفهوم آشنا و قدیمی «توجه به کیفیت مؤلفه فیزیکی فضا» بود. در این قسمت نیز مشابه مرحله پیش، استفاده از واژه «توجه...» به لحاظ مقایسه کمی گزاره‌ها بود.

تمامی کدهای استخراج شده و تحلیل شده در این قسمت (جدول ۴) با توجه به سطح تجربی، انتزاعی و مفهومی خود، نشان از طرز فکر و نگرش متخصصان در خصوص

جدول ۴: کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با گروه متخصصین پیرامون اولویت‌ها و دیدگاه‌های نظری طراحان به طراحی فضای شهری

کدگذاری گزینشی (مقوله)	طبقه‌بندی مفاهیم (کدگذاری محوری)	مفاهیم استخراج شده از داده‌ها (کدگذاری باز)
نگرش اجتماعی - معنایی به فضای شهری	- تأکید بر کیفیت مؤلفه معنایی فضا - تأکید بر کیفیت مؤلفه اجتماعی فضا	“مردم علاقه به حضور در فضایی دارند که در آن زندگی جاری باشد” “رخدادهای اجتماعی و تعاملات از مهم‌ترین عوامل مانایی فضای شهری هستند” “شکل‌گیری خاطره جمعی از مهم‌ترین کیفیت‌های فضای شهری به شمار می‌آید” “فضای شهری باید خاطره‌ساز باشد” “مردم باید در فضای شهری احساس تعلق کنند” “فرد باید احساس کند به‌طور ذهنی مالک فضا است” “فضا باید احساسات فرد را به خود درگیر کند” “فضا باید متناسب با تمامی گروه‌های اجتماعی و نیازهای مادی و معنوی آن‌ها طراحی شود” “فضای شهری خوب باید ارزش‌آفرین باشد” “باید در نظر داشته باشیم که فضای شهری بین درون و بیرون ایجاد تعادل کند و مفهوم خانه در برابر آن رنگ نبازد” “زیبایی فضا هم معنوی باید باشد و هم مادی” “ایدئولوژی و انگیزه طراح در نحوه شکل‌گیری فضای شهری تأثیرگذار است” “طراحی باید همراه با مردم باشد” “تأثیر مردم در ایجاد کیفیت در فضا به واسطه حضور، بیش از طراح است” “توجه به هویت مکان و حس مکان در حوزه کیفیت‌های فضا قابل اهمیت است” “فضا باید دارای کمترین محدودیت‌های روانی باشد” “فضا باید دارای کیفیت‌های انسانی متناسب را نیازهای روحی و معنوی افراد باشد” “طراحان باید نقش ویژه مردم در ساخت مکان را مدنظر داشته باشند” “نهایتاً این مردم هستند که فضا را شکل می‌دهند”
	- توجه به کیفیت مؤلفه عملکردی فضا	“فضا باید تجربه‌های فعالیتی گوناگونی را عرضه کند” “رویداد و فعالیت پایه‌گذار ایجاد معنای مکان است” “فضا باید توانایی حمایت از برقراری فعالیت‌های مختلف در راستای زندگی عمومی را داشته باشد” “تنوع و انعطاف فضایی از معیارهای مهم در ایجاد کیفیت فضا است” “ماهیت چندمنظوره فضا، باعث شکل‌گیری چندین فضا در یک ظرف کالبدی می‌شود”
	- توجه به کیفیت مؤلفه فیزیکی فضا	“امروزه فضا جسم ماندگاری ندارد و این یکی از عوامل تنزل کیفیت فضای شهری است” “فضای شهری باید زیبایی کالبدی هم داشته باشد” “امروزه مردم تمایل به فضاهای طبیعی با کمترین تسلط عناصر کالبدی دارند” “ابعاد کالبدی تنها یک بخش از کیفیت‌های فضا است، ممکن است یک فضا پوسته کالبدی خوبی نداشته باشد اما همچنان حضورپذیر باشد” “فضا باید دفاع‌پذیر و پایدار باشد” “فضا باید متناسب با اقلیم طراحی گردد” “فضا ظرفی است کالبدی” “انعطاف‌پذیری کالبدی معیاری است در راستای ارتقا کیفی”

جدول ۵: کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با گروه متخصصین پیرامون امکانات و اقدامات عملی طراحان در خصوص طراحی فضای شهری

کدگذاری گزینشی (مقوله)	طبقه‌بندی مفاهیم (کدگذاری محوری)	مفاهیم استخراج شده از داده‌ها (کدگذاری باز)
کنش‌های طراحانه	- طراحی مؤلفه فیزیکی فضا - طراحی مؤلفه عملکردی فضا	“شهرسازی باید تجلی کالبدی داشته باشد” “هر چیزی که با مقولات کالبدی سروکار داشته باشد با شهرسازی در ارتباط است” “آرایش فضایی و مناسبات کالبدی محمل بروز تفکرات طراحی است” “تفاوت شهرسازی با جامعه‌شناسی در محصول آن است. محصول شهرسازی تجلی عینی و کالبدی دارد” “طراحی شهری یک سطح بالاتر از مطالعات شهری قرار می‌گیرد زیرا نهایتاً action oriented است” “شهرسازی باید حتماً به خط منجر شود” “مهارت طراح در تبدیل فکرش به خطوط، رنگ‌ها و ... است” “نهایتاً طراحان در قالب اسناد تصویری و نوشتاری طرح را ارائه می‌دهند” “به نظر من حتی عملکرد هم متأثر از ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی است” “طراح از طریق نقشه‌ها و تصاویر و ضوابط و مقررات، اهداف خود را عینی می‌کند” “هنگامی که صحبت از زیبایی می‌کنیم باید بتوانیم آن را به‌وسیله مصالح، خطوط، فرم‌ها و روابط فضایی صحیح بیان کنیم” “واژه طراحی معنایش را با خودش به همراه دارد، چه انتظاری از این واژه داریم؟” “طراحان تعیین می‌کنند که چه کاربری در چه کالبدی قرار بگیرد” “اگر می‌خواهیم ببینیم چه چیزی طراحی می‌شود باید ببینیم نهایتاً چه چیزی روی زمین قرار می‌گیرد” “مکتب اصفهان بهترین نمونه از هماهنگی جهان‌بینی با طراحی است، آن چه ما در نقش‌ها، رنگ‌ها، آرایش‌های فضایی، فرم‌ها و ... می‌بینیم همان تفکر آوردن بهشت به روی زمین است”

مدل زمینه‌ای

مدل ارائه شده در ادامه شامل دو بخش می‌باشد (شکل ۲). یک بخش پیرامون «طراحی فضای شهری» و بخش دیگر حول محور «خوانش فضای شهری» تدوین شده است. بدین ترتیب مدل شامل دو پدیده می‌شود. لازم به ذکر است که این دسته‌بندی نشان‌دهنده اولویتی نمی‌باشد و صرفاً تفکیک فرآیندها را نشان می‌دهد.

آن چه در بخش «طراحی فضای شهری» قرار گرفته است، برگرفته از مصاحبه با گروه متخصصین می‌باشد. سازه‌های این بخش مدل به شرح زیر می‌باشد:

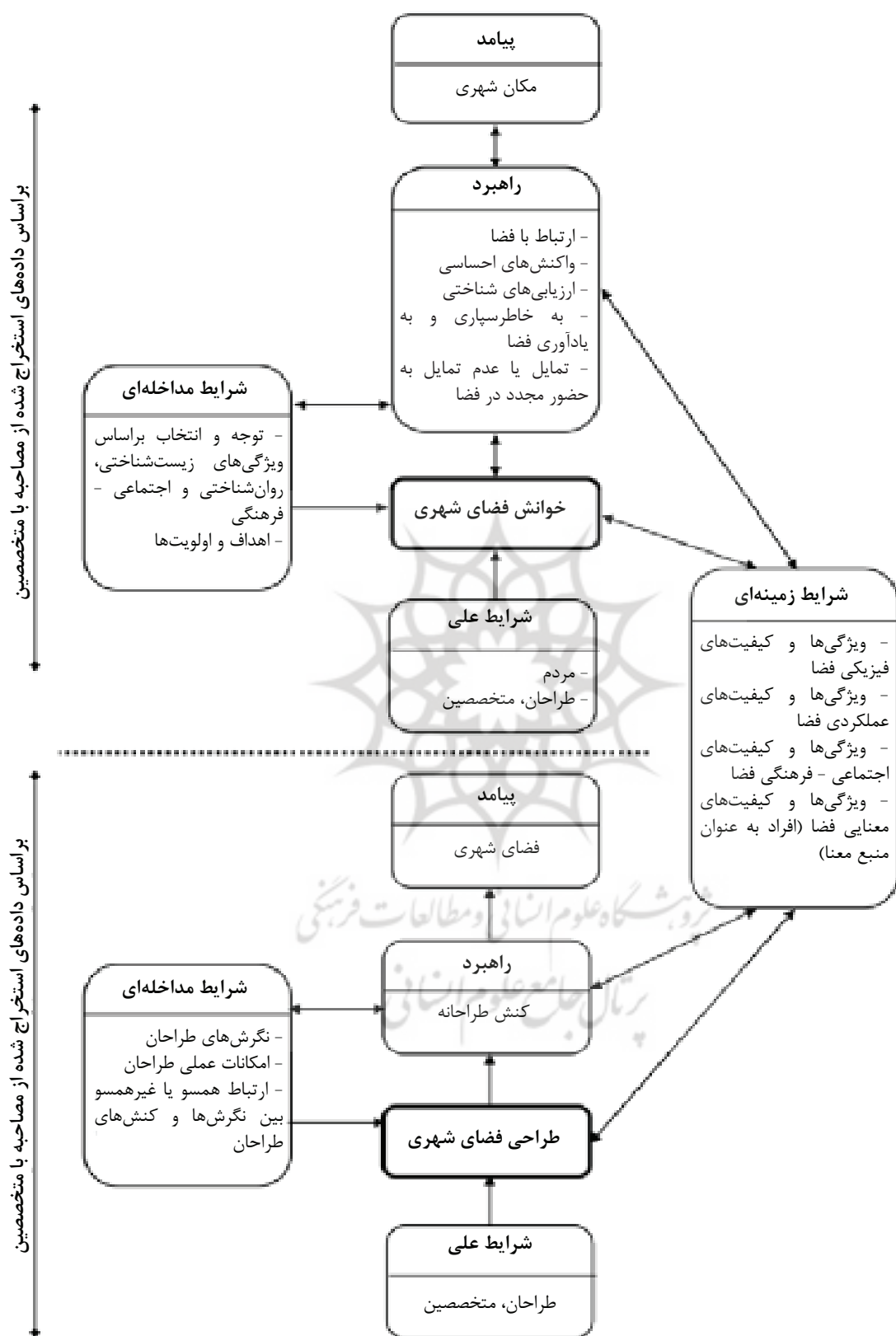
✓ **پدیده:** طراحی فضای شهری. ایده و فکر محوری که سایر کنش‌ها به ایجاد، کنترل و اداره آن معطوف است.

✓ **شرایط علی:** طراحان و متخصصین. در واقع طراحان و متخصصین عاملین اصلی ایجاد یا تغییر در پدیده

طراحی فضای شهری در این مرحله هستند.

✓ **شرایط مداخله‌ای:** نگرش‌های طراحان، امکانات عملی طراحان، ارتباط همسو یا غیرهمسو بین نگرش‌ها و کنش‌های طراحان. این شرایط بیانگر شرایط کلی و فراگیری هستند که بر چگونگی کنش‌ها و اقدامات طراحی تأثیرگذار هستند.

✓ **شرایط زمینه‌ای:** ویژگی‌ها و کیفیت‌های فیزیکی فضا، ویژگی‌ها و کیفیت‌های عملکردی فضا، ویژگی‌ها و کیفیت‌های اجتماعی- فرهنگی فضا، ویژگی‌ها و کیفیت‌های معنایی (افراد به عنوان منبع معنا). زمینه‌ای که در آن مسائل، شرایط، اولویت‌ها، پتانسیل‌ها و اقدامات طراحانه جاری می‌شود. طراحی براساس واقعیت موجودی صورت می‌گیرد که ویژگی‌های فیزیکی، عملکردی، اجتماعی و معنایی خاصی در آن برقرار است.



شکل ۲: مدل زمینه‌ای فرآیند طراحی و خوانش فضای شهری

هستند؛ به عبارت دیگر فرآیندهای ادراکی - شناختی که بخشی به طور آگاهانه و بخشی به طور ناخودآگاه روی می‌دهد، پاسخ و رویکردی است که افراد در مسیر ارتباط و خوانش فضا طی می‌کنند.

✓ **پیامد:** مکان شهری. آخرین سازه از مدل ترسیمی، مفهوم «مکان» می‌باشد. این واژه در تحلیل‌های پیشین به صورت صریح به کار گرفته نشده بود؛ اما از آن جا که فضا به اضافه معنا نتیجه مفهومی «مکان» را به دنبال دارد و اصلی‌ترین عامل دخیل در بخش دوم مدل، مردم به عنوان منابع معنایی هستند، واژه مستتر مکان در این بخش از مدل صراحتاً نمود پیدا می‌کند.

بدین ترتیب مدل با کنار هم قرار دادن مفاهیم و سازه‌ها، از فضای شهری به مکان شهری طی مسیر می‌کند.

بحث و نتایج

نتایج حاصل از فرآیندهای کدگذاری و تحلیل در این پژوهش در دو گروه مردم و متخصصین به صورت زیر قابل بیان است که می‌توان این نتایج را در مقایسه با پژوهش‌ها و نظریات موجود مورد بررسی قرار داد.

گروه مردم (استفاده‌کنندگان فضا)

- گزاره‌هایی که افراد برای بازنمایی تجربه خود از فضا بیان کرده‌اند، بیشتر با قرائت وجوه فیزیکی فضا همراه است و سپس مؤلفه عملکردی و اجتماعی بیشترین بازایی نموده‌های عینی فضا را به خود اختصاص می‌دهد.

- افراد در تشریح تجربه خود از فضای شهری خوب، به هر چهار مؤلفه فضا (فیزیکی، عملکردی، اجتماعی و معنایی) اشاره کرده‌اند.

- هر مؤلفه‌ای (فیزیکی، عملکردی و اجتماعی) باعث تجلی سطحی از معنا می‌شود و فضایی بهتر خواهد بود که توانایی ایجاد زمینه برای تجلی بیشترین سطوح معنا را داشته باشد.

- واکنش‌های احساسی و ارزیابی‌های افراد از فضا در قالب صفت‌های نسبت داده شده به فضا، احساسات و معناهای متجلی شده در آنان بیان شده است که ناشی از کنارهم‌نشینی تمام اجزاء تجربه شده می‌باشد.

می‌توان چنین استدلال کرد که این نتایج با آنچه که تیبالدز (۱۹۸۴) بدان اشاره می‌کند مبنی بر اینکه مردم از طریق کیفیت به خصوص کیفیت (محیط) فیزیکی که در اطراف خویش مشاهده می‌کنند محیط خویش را قضاوت می‌کنند، نیز پژوهش‌های کرمونا (۲۰۰۸) در خصوص تأثیر هم‌زمان و متقابل ویژگی‌ها و شرایط کالبدی مناسب با برقراری جریان فعالیت‌ها در فضا و حضور پذیری مردم

✓ **راهبرد:** کنش طراحانه. فعالیت هدفمند طراحان در مسیر خلق فضای شهری، از طریق کنش‌های فرآیند طراحی صورت می‌گیرد.

✓ **پیامد:** فضای شهری. نتیجه کنش متقابل میان راهبردها، شرایط زمینه‌ای، مداخله‌ای و علی. این پیامد را بدین صورت می‌توان بیان کرد که طراحان بنا بر نگرش خود در راستای تغییر یا خلق فضای شهری و براساس امکانات و ابزار در اختیار، کنشی طراحانه را انجام می‌دهند که بیشتر با مؤلفه‌های فیزیکی و عملکردی صورت می‌پذیرد و در عین حال بر روی زمینه‌های اجتماعی و معنایی نیز تأثیرگذار خواهد بود. نتیجه تمامی این کنش‌ها و زمینه‌ها، محصولی است به نام فضای شهری. این پیامد در مرحله بعدی، خود در مرکز پدیده بعدی قرار می‌گیرد.

سازه‌های بخش «خوانش فضای شهری» نیز که برگرفته از مصاحبه با گروه مردم می‌باشد در مدل به شرح زیر می‌باشد:

✓ **پدیده:** خوانش فضای شهری. در واقع آنچه محل تمرکز متغیرهای بخش دوم می‌باشد، قرائت و ادراک شهروندان از فضای شهری است که در مرحله قبل به عنوان پیامد ایجاد شده است.

✓ **شرایط علی:** مردم و متخصصین عاملین اصلی شکل‌گیری در این مرحله می‌باشند. بعد اجتماعی فضا به واسطه حضور مردم در فرآیند طراحی شهری ایجاد می‌گردد. نیز خود طراحان و متخصصین بخشی از این بعد اجتماعی به شمار می‌آیند که علیرغم وجود شرایط مداخله‌ای متفاوت، هر دو گروه در فرآیند ادراک فضا قرار می‌گیرند.

✓ **شرایط مداخله‌ای:** توجه و انتخاب براساس ویژگی‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی- فرهنگی و اهداف و اولویت‌ها، متغیرهای میانی هستند که بر نحوه خوانش افراد از فضا تأثیرگذار هستند.

✓ **شرایط زمینه‌ای:** ویژگی‌ها و کیفیت‌های فیزیکی فضا، ویژگی‌ها و کیفیت‌های عملکردی فضا، ویژگی‌ها و کیفیت‌های اجتماعی- فرهنگی فضا، ویژگی‌ها و کیفیت‌های معنایی (افراد به عنوان منبع معنا). زمینه در هر دو بخش مدل یکسان است با این تفاوت که پیرامون هر پدیده و با توجه به مسائل اولویت‌دار در آن پدیده، متغیرهای موجود در زمینه به لحاظ تأثیرگذاری، اولویت‌های متفاوتی را به خود اختصاص می‌دهند.

✓ **راهبرد:** ارتباط با فضا، واکنش‌های احساسی، ارزیابی‌های شناختی، به خاطر سپاری و به یادآوری فضا و تمایل یا عدم تمایل به حضور مجدد در فضا، راهبردهای افراد در مواجهه با پدیده فضای شهری

در فضا، هم‌چنین استدلال مدنی پور (۱۳۸۴) در خصوص اینکه کیفیت‌های بصری، یکی از چند کیفیت مکانی محیط مصنوع است و سایر مؤلفه‌های کیفی نیز نقشی هم‌ارز و موازی در ایجاد کیفیت فضا به عهده دارند و طبقه‌بندی شرم (۱۹۸۸) در مورد کیفیت‌های فضای شهری، با این دیدگاه که صرفاً شاخصه‌های مکان‌های شهری موفق را به صورت گزاره‌های توصیفی بیان کرده است و پرهیز از جداسازی مؤلفه‌های فضا در طبقه‌بندی او در واقع تأکیدی بر دیدگاهی غیرتجزیه‌ای و چندلایه در تعریف فضای شهری مطلوب است، همین‌طور نظریات تریب (۱۹۷۴) که بیان می‌دارد برداشت‌های ذهنی، ترکیبی غیرمادی و سازمان‌یافته است که نه تنها محیط کالبدی و اجزای تشکیل دهنده آن در ذهن شهروند، بلکه تظاهر فرمال ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ... از شهر را نیز دربرمی‌گیرد، سازگاری و هم‌خونی دارد.

همچنین در تأثیر «مؤلفه معنا» و «معنادهی به دریافت‌های حسی در ارزیابی‌های مثبت افراد»، اپلیارد (۱۹۷۹) در ادامه کارهای لینچ در پژوهش‌هایش به ابعاد گسترده‌تری از مسئله همچون ابعاد اجتماعی، کارکردی و محیطی توجه کرده و موضوع «معنای محیطی»^۱ را بیان می‌نماید. با این توضیح که به ابعاد معنایی محیط باید توجه ویژه‌ای داشته باشیم تا دریابیم که چگونه رابطه و برهم‌کنش میان بافت اجتماعی و کارکردی، پایه اقتصادی و محیط طبیعی شهر، بر شناخت ساکنان از شهرشان تأثیر می‌گذارد.

گروه متخصصین (طراحان فضا)

- متخصصین و حرفه‌مندان در گزاره‌های خود بیشتر از مفاهیم نظری و تجربیدی استفاده کرده‌اند.
 - متخصصین و حرفه‌مندان در نگرش خود نسبت به خلق فضای شهری با کیفیت، بیشتر بر مؤلفه اجتماعی و مؤلفه معنایی فضا و مفاهیم مرتبط با این دو مؤلفه تأکید دارند ولی همچنان به مؤلفه فیزیکی و مؤلفه عملکردی فضا نیز توجه دارند.
 - متخصصین و حرفه‌مندان در کنش طراحانه خود در فرآیند خلق فضای شهری، بیشترین اقدامات و امکانات را در مؤلفه‌های فیزیکی و عملکردی بیان کرده‌اند.
- تفاوت بین آنچه طراحان می‌اندیشند و آنچه طراحی می‌کنند در پژوهش‌های لنگ (۱۹۸۷) نیز مطرح گردیده است. لنگ با بررسی و تقسیم‌بندی نظریه‌های موجود در حوزه معماری و طراحی محیط، با در نظر داشتن نظام فکری طراحان و ارزش‌ها و باورهای ذهنی آنان بیان می‌کند که هر کنش^۲ وابسته به یک نگرش^۳ است. حرفه‌هایی که

1. environmental meaning
2. action
3. attitude

سوگیری عملی دارند مانند طراحی محیطی، درباره فرآیند و حاصل کارشان مواضع هنجاری می‌گیرند که در فرآورده کارشان بازتاب می‌یابد.

وی بیان می‌کند که برای استفاده از مواضع هنجاری مکتوب طراحان دو مشکل وجود دارد: اول این که نوشته‌ها اغلب کلی و تنها بیانگر تفکر طراحان یک دوره خاص هستند و کمکی به تمایز دیدگاه‌های طراحان خاص نمی‌کنند. دوم این که در بیشتر موارد بین مواضع ادعا شده و عمل شده طراحان تفاوت‌هایی وجود دارد.

تفاوت بین آنچه طراحان، خوب و مطلوب می‌دانند و آنچه در واقع طراحی می‌کنند به چند دلیل به وجود می‌آید: (۱) ادعاهای نظری و کار عملی مخاطبان مختلفی دارند. (۲) طراح نتوانسته است مواضع ادعا شده خود را در بازار کار قبولاند. (۳) موضع ادعا شده قبل از کاربردی شدن مطرح شده و تحقق‌پذیری آن بررسی نشده است. (۴) طراح خودآگاه و ناخودآگاه موضع زبانی و کار عملی را مستقل از یکدیگر دنبال کرده است. (۵) طراح مهارت‌های لازم فکری یا طراحی را برای نیل به اهداف خود نداشته است. (۶) طراح احتمالاً خودآگاهانه در نوشته‌ها یا گفته‌های زبانی خود راه اشتباهی را رفته است. شاید دلیل هفتم از همه مهم‌تر باشد: (۷) طراح اغلب الفبای گنگ و نا آشکاری را برای شرح مقاصد و کار خود به کار می‌برد. در نتیجه مثلاً واژگانی چون "خودرو"، "پویا"، "کارکرد"، "صادقانه" و ... معانی مختلفی دارند یا به گفته جورج اورول معنایی ندارند مرور مجدد سابقه پژوهش‌های مرتبط با بررسی ترجیحات و تفاوت‌های میان طراحان با مردم عادی نشان می‌دهد ارزیابی طراحان با مردم عادی متفاوت است. (البته وجوه اشتراکی نیز در ارزیابی‌ها وجود دارد). افراد عادی تمایل دارند ارزیابی‌ها خود را براساس تأثیرات عاطفی و وجوه توصیفی بیان کنند در صورتی که معماران و طراحان به ارزیابی‌های مفهومی و انتزاعی متمایل هستند.

تعاریف عملیاتی همیشه با تعاریف کیفی انطباق پیدا نمی‌کنند و این امر بینشی جدید در رابطه با ماهیت کیفیت طراحی شهری ارائه می‌دهد. نتایج مطالعات اوینگ و هندی نشان می‌دهد که از بین ۵۱ کیفیت استخراج شده از ادبیات تخصصی طراحی شهری، به استثنای تعداد کمی، ادبیات طراحی شهری اقدامی در جهت اندازه‌گیری عینی این کیفیت‌ها و یا سایر کیفیت‌های ادراکی ندارد ولی به سادگی ادعای اهمیت چنین اقدامی وجود دارد (Ewing and handy, 2009).

کانتز نیز پیشنهاد می‌کند که طراحان پیش از طراحی، می‌باید تصویری کلی از آنچه که قرار است آفریده شود پردازش کرده و سپس بر پایه هدف‌ها و انتظاراتی که برای آن مکان در نظر می‌گیرند، ارزیابی‌ها و انتظارات مردم را نسبت به محیط و در ارتباط با این اهداف پردازش کرده،

در تصورات و هدف‌های خود بازبینی کنند (Canter, 1977:164).

آن‌چنان‌که نسر بیان می‌کند افراد به‌رغم تفاوت‌هایشان، اشتراکات بسیاری نیز با یکدیگر دارند؛ بنابراین طراحان شهری باید در شکل دادن به محیط‌ها در مورد تأثیر احتمالی طرح‌هایشان بر مردمی که با آن‌ها مواجه‌اند و نیز در مورد حوزه‌های مورد توافق اکثر مردم آگاه باشند (Nasar, cited in Banerjee and Loukaitou, 2011:164). براساس آنچه ارائه گردید می‌توان گفت توجه به پدیده "فرد در ارتباط با محیط" و در نظر گرفتن هم‌زمان وجوه تأثیرگذار بر خوانش کاربران فضا و درک واقعیت آن‌چنان که هست و تجربه و ترجیحات افراد در قالب زندگی روزمره جاری در فضا، می‌تواند ابزاری قابل اطمینان در اختیار طراحان شهری قرار داده و فرآیندهای خلق فضای شهری مطلوب را با موفقیت بیشتری همراه سازد. به عبارتی ما طراحان نیازمند تغییر در نگرش‌های حرفه‌ای خود و گذر از ادعای صرفاً نظری هستیم تا بتوانیم هدف اصلی طراحی شهری یعنی کیفیت را در اختیار شهروندان قرار دهیم.

فهرست منابع

- استراوس، انسلم، کربین، جولیت (۱۳۹۸). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی
- استرنبرگ، رابرت (۱۳۹۳). روانشناسی شناختی، ترجمه‌ی کمال خرازی و الهه حجازی، تهران: انتشارات سمت.
- ایمان، محمدتقی و محمدیان، منیژه (۱۳۸۷)، روش‌شناسی نظریه بنیادی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۶، صفحه ۵۴-۳۱
- پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۱). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۰). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
- پورجعفر، محمدرضا، صادقی، علیرضا، یوسفی، زاهد (۱۳۸۸). بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان، نمونه موردی: روستای هورامان تخت کردستان، نشریه مسکن و محیط روستا، دوره ۲۸، شماره ۱۲۵.
- توسلی، محمود (۱۳۶۹). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضای مسکونی در ایران، جلد اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
- حبیب، فرح (۱۳۹۱). جستارهای شهرسازی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- دانشپور، سید عبد الهادی (۱۳۷۹). بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهر (خیابان) نمونه موردی: خیابان انقلاب رساله دکتری شهرسازی، استاد راهنما ایرج اعتصام، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا
- راپاپورت، آموس (۱۳۹۱). معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیب، تهران: انتشارات سازمان

فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

- رفیعیان، مجتبی و خدایی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. راهبرد، ۱۸(۵۳) ویژه بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی)، ۲۴۸-۲۲۷
- رلف، ادوارد (۱۳۹۰). مکان و حس لامکانی، ترجمه‌ی دکتر جلال تبریزی، تهران: انتشارات کاوش.
- سلطانی، یزدان، فیضی، محسن، فلامکی، محمدمصور و محمودی زرنی، مهناز (۱۳۹۸). تبیین الگوی طراحی مسکن، بر مبنای معیارهای عینی حس تعلق به مکان از دیدگاه کاربران و طراحان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). مطالعات محیطی هفت حصار (هفت حصار)، ۳۰(۸)، ۵-۱۶. SID. <https://sid.ir/paper/368811/fa>
- شهبازی، مهرداد، یگانه، منصور و بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۹). شناسایی عوامل کالبدی-فضایی مؤثر بر سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی از دیدگاه طراحان و ساکنین، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۳(۳۰)، ۱۱۷-۱۳۷. SID. <https://sid.ir/paper/202270/fa>
- طیبی، امیر و ذکاوت، کامران (۱۳۹۶). تصویر ذهنی گردشگران داخلی از فضاهای شهری اصفهان با رویکرد نظریه زمینه‌ای. صفا، ۲۷(۷۷)، ۶۳-۷۸. SID. <https://sid.ir/paper/94442/fa>
- غفاری، لیلیا (۱۳۹۳). امکان انتخاب رفتارهای چندگانه در فضای شهری: یک چارچوب مفهومی. صفا، ۲۴(۶۵)، ۶۱-۷۸.
- قلندریان ایمان (۱۴۰۱). کاربست روش داده بنیاد در ظهور یک نظریه‌ی شهری (بازآفرینی بخش مرکزی مشهد). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۰(۲): ۸۵-۱۰۳
- کریمی یزدی، اعظم، براتی، ناصر و زارعی، مجید (۱۳۹۵). ارزیابی تطبیقی ادراک فضای شهری از نظرگاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری (مطالعه موردی مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش تهران). باغ نظر، ۱۳(۴۵)، ۱۳-۲۶. SID. <https://sid.ir/paper/521041/fa>
- کلالی، پریسا؛ مدیری، آتوسا (۱۳۹۱). تبیین نقش مؤلفه معنا در فرآیند شکل‌گیری حس مکان. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی دوره ۱۷، شماره ۲.
- گروت، لیندا (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران
- گروت، یورگ کورت (۱۳۹۰). زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه دکتر جهان‌شاه پاکزاد، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گلکار، کوروش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه صفا، شماره ۳۲، ۳۸-۶۵
- لک، آزاده (۱۳۹۳). کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های طراحی شهری. صفا، ۲۴(۶۴)، ۴۳-۶۰. SID. <https://sid.ir/paper/358917/fa>
- لنگ، جان (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۲). ارتباط شناسی، ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)، تهران: انتشارات سروش.
- مدنی پور، علی (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری
- مدنی پور، علی (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: انتشارات شرکت

Quantitative, and Mixed Methods Approaches. 3rd Edition. Los Angeles: Sage Publications, Inc.

- Ewing, Reid, Handy, Susan, 2009, Measuring the Unmeasurable: Urban Design Qualities Related to Walkability. *Journal of Urban Design*, 14(1).
- Glaser, Barney G & Strauss, Anselm L., (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Chicago, Aldine Publishing Company
- Karimimoshaver, M., Ahmadi, M. A., Aram, F., Mosavi, A. (2020). Urban views and their impacts on citizens: A grounded theory study of Sanandaj city. *Heliyon*, 6, e05157. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e05157>
- Katarína Šafárová, Martin Pírko, Vojtěch Juřík, Tomáš Pavlica, Ondřej Németh, (2019), Differences between young architects' and non-architects' aesthetic evaluation of buildings, *Frontiers of Architectural Research*, Volume 8, Issue 2, Pages 229-237, ISSN 2095-2635, <https://doi.org/10.1016/j.foar.2019.04.001>.
- Montgomery, J. 1998. Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design*, 3(1).
- Nasar, J. (2011). Environmental psychology and urban design. In T. Banerjee, & A. Loukaitou-Sideris, *Companion to Urban Design*. New York: Routledge.
- Nasar, J. 1994. Urban Design Aesthetic- The Evaluative Qualities of Building Exteriors. *Environment and Behavior*. 26(3), pp. 377-401
- Nasar, J. L. (1989). Perception and evaluation of residential street scenes. In J. L. Nasar (Ed.), *Environmental aesthetics* (pp. 131-155). New York: Cambridge University Press.
- Nasar, J. L., & Kang, J. (1989). Prospects and refuges: A descriptive investigation of responses to city scenes. *Journal of Environmental Psychology*, 9(4), 321-328.
- Rapoport, A. (1999). Spatial Organization and the Built Environment, in Ingold, T, *The Appropriation of Nature, Essays Human Ecology and Social Relations*, Manchester: Manchester University Press.
- Strauss, A. (1987). *Qualitative analysis for social scientists*. New York: Cambridge University Press.
- Strauss, A., & Corbin, J.(1990). *Basics of qualitative research: grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage
- Tibbalds, F.(1984). *Urban Design Who Needs It?*. Place, 1(3).
- Xu L, Zhang Y, Li F, Yin J. (2023), Perceptual difference of urban public spaces between design professionals and 'laypersons': Evidence, health implications and ready-made urban design templates. *Indoor and Built Environment*, 32(3):494-520. doi:10.1177/1420326X221116318
- ZHOU Zhaosen, LIN Guangsi.(2022), Research on the Influencing Factors of Users' Perception of the Inclusiveness of Urban Parks Based on the Grounded Theory. *Landsc. Archit. Front.*,10(3): 12-37 <https://doi.org/10.15302/J-LAF-1-020066>
- پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مک اندرو، فرانسیس تی.(۱۳۹۳). روانشناسی محیطی، ترجمه‌ی غلامرضا محمودی، تهران: انتشارات زریاف اصل.
- ملک آورزمانی، عطیه، صابر نژاد، ژاله و پورمند، حسنعلی. (۱۳۹۹). تدوین الگوی ماندگاری ادراکی در معماری براساس روش نظریه‌پردازی داده بنیاد متنی. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۳(۳۰)، ۱۸۳-۱۹۹. [https://sid.ir/paper/202265/](https://sid.ir/paper/202265)
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۵). مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی، تهران: راهیان.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۸۴). مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، ترجمه‌ی محمود امیریار احمدی، تهران: انتشارات آگاه.
- وحدت، سلمان، کریمی مشاور، مهرداد و بخشی بالکانلو، عادل. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران و شهرسازان، نمونه موردی: شهر ارومیه. *آمایش جغرافیایی فضا*، ۷(۲۶)، ۱۲۹-۱۴۳. <https://sid.ir/paper/251043/fa>
- Adam B. Weinberger, Eleanor W. Garside, Alexander P. Christensen, Anjan Chatterjee,(2022), Effects of expertise on psychological responses to buildings and natural landscapes, *Journal of Environmental Psychology*, Volume 84, 101903, ISSN 0272-4944, <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2022.101903>.
- Allen, N., & Davey, M. (2018). The Value of Constructivist Grounded Theory for Built Environment Researchers. *Journal of Planning Education and Research*, 38(2), 222-232. <https://doi.org/10.1177/0739456X17695195>
- Bahador Zamani & Ehsan Babaei (2020): A Critical Review of Grounded Theory Research in Urban Planning and Design, *Planning Practice & Research*, DOI: 10.1080/02697459.2020.1830240
- Banerjee, U., Hine, J.(2014), Identifying the underlying constructs linking urban form and travel behaviour using a grounded theory approach. *Int. J. Environ. Sci. Technol.* 11, 2217-2232. <https://doi.org/10.1007/s13762-014-0585-0>
- Canter, D.(1977). *The Psychology of Place*. London: the architectural press.
- Cao, J.; Kang, J. (2023), A Perceptual Structure of Soundscapes in Urban Public Spaces Using Semantic Coding Based on the Grounded Theory. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 20, 2932. <https://doi.org/10.3390/ijerph20042932>
- Carmona,Matthew, de Magalhães, Claudio, Hammond, Leo. (2008). *Public Space The management dimension*. Routledge.
- Carmona, M. & Tiesdell, S. (2007). *Urban Design Reader*, Oxford: Architectural Press.
- Carmona, Matthew, Health, Tim, Oc, Taner, Tiesdell, Steve. (2003). *Public Places- Urban Spaces*. Elsevier.
- Creswell, J. W. (2005), *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Creswell, John W.(2009) *Research Design: Qualitative,*